



فصل دوم: برپادارندگان سلطه بر قدرت‌ها در ایران

با سقوط دولت مصدق و روی کار آمدن دولت کودتا و بروز بحران‌های اقتصادی بر اثر تحریم‌ها و فشارهای ناشی از قطع جریان نفت و فشارهای سیاسی بین‌المللی، دولت ایران در صدد برآمد تا زمینه‌های لازم و مناسب را برای استقرار روابط مجدد با انگلستان فراهم آورد و برای حل معضل نفت چاره‌ای بیندیشد.

زاهدی در شهریور ۱۳۳۲ به سیاه‌نمایی همه‌جانبه‌ای علیه دولت ملی دست زد و به تشریح اوضاع اقتصادی ایران در دوره مصدق پرداخت و اعلام کرد که دولت پیش از وی، یعنی دولت مصدق علاوه بر آن که بیش از دویست میلیون دلار برای ایران قرض به جا گذاشت مبلغ پنجاه میلیون دلار ارز ذخایر پشتوانه اسکناس را نیز مصرف کرده است و به دلیل رفتارهای افراطی ما را در جهان بی‌اعتبار ساخته است و تنها راه نجات اقتصاد ورشکسته ایران مذاکره با انگلیس و امریکا، سازگاری با جهان و تولید و صادرات نفت و دریافت عایدات آن است.

امریکا و انگلیس نیز سیاه‌نمایی دولت کودتا علیه دولت ملی را سنگین‌تر کرده و اعلام کردند که هم به جهت ملی شدن صنعت نفت و هم به خاطر نوع رفتار دکتر مصدق با مجامع جهانی و بین‌المللی، ایران اعتماد جهان را نسبت به خود سلب کرده



و افراطی‌گری‌های مصدق به وجهه جهانی ایران لطمه وارد کرده است. (شبهه همین استدلال‌هایی که امروز امریکایی‌ها و ستون پنجم آنها در ایران، نسبت به جمهوری اسلامی و جایگاه آن در نظام جهانی منتشر می‌کنند.)

شعار امریکا و انگلیس در آن دوران این بود که برای تعامل با جهان، دولت ملی دکتر مصدق راهی ندارد مگر این که یارفتار خود را با جهان تغییر دهد یا باید به فکر تغییر دولت وی بود. گروه‌هایی که آن دوران خود را ملی و مذهبی و مبارز معرفی می‌کردند با رفتارهای کودکانه، تفرقه‌ها و تشتت‌ها و درگیری‌هایی که به وجود می‌آوردند شرایط را برای سلطه امریکا و انگلیس در ایران فراهم ساختند و به این نتیجه رسیدند که با روی کار آمدن دولت جدید فصل تازه‌ای در تاریخ روابط ایران و امریکا و انگلیس گشوده خواهد شد.



با پذیرش قرارداد کنسرسیون که عاقد آن یکی از دل‌سپردگان به امریکا، علی‌امینی بود عملاً فاتحه تمام دستاوردهای جنبش ملی شدن نفت خوانده شد و نفت ملی شده ایران با شرایطی به مراتب مفتضح‌تر از شرایط شرکت نفت ایران و انگلیس، تحویل امریکا و شرکای او گردید و همان شرایطی که امام خمینی در سال ۱۳۲۳ پیش‌بینی کرده بود بر سر ملت ایران آمد.

در آن دوران در قرارداد کنسرسیون، موقعیت انگلیس، فرانسه، امریکا و هلند به نوعی شبهه‌همین جریان ائتلافی‌ای بود که اکنون تحت عنوان ۱+۵ به دنبال آن است که از طریق تحمیل یک قرارداد کنسرسیون جدیدی به نام «برجام»، سیطره خود را بر ایران تحمیل نماید. قرارداد کنسرسیون به مدت چهل سال با یک دوره ۲۵ سال حق تمدید در سه دوره

امریکا و انگلیس نیز سیاهنمایی دولت کودتا علیه دولت ملی را سنگین تر کرده و اعلام کردند که هم به جهت ملی شدن صنعت نفت و هم به خاطر نوع رفتار دکتر مصدق با مجامع جهانی و بین‌المللی، ایران اعتماد جهان را نسبت به خود سلب کرده و افراطی‌گری‌های مصدق به وجه جهانی ایران لطمه وارد کرده است

پنج ساله، بر ایران تحمیل شد و دولتمردان آن دوران این قرارداد را شاهکار دیپلماسی چانه‌زنی و تعامل با جهان به جای دیپلماسی تقابل و تشنج، جازدند.

جالب اینجاست که موضوعات اساسی که مورد اختلاف بین ایران و کمپانی نفت انگلیس بود، یعنی موضوع اعمال حاکمیت ایران بر منابع ملی، مدت قرارداد و تسهیم منافع، در قرارداد کنسرسیوم با اصل ملی شدن صنعت نفت مغایرت

داشت؛ شبیه همین مغایرت‌هایی که امروز عده‌ای می‌گویند بین «برجام» با اعمال حاکمیت ملی بر منابع و حفاظت از اسرار دفاعی و نظامی کشور و امثال ذلک دارد.

علی‌امینی که بعدها رد پای وی را در جریان‌های حساس تاریخ ایران خواهیم دید، این خفت و خواری را بر ملت ایران تحمیل کرد و در همان دوران بسیاری از جریان‌هایی که خود را ملی‌گرا معرفی می‌کردند از این عنصر سرسپرده به عنوان یک چهره ملی، خوشنام و دموکرات یاد کردند. می‌دانیم شبیه‌سازی‌های رخدادهای تاریخی در دو مقطع متفاوت کار درستی نیست اما یک سود دارد و آن، این است که این شبیه‌سازی‌ها ممکن است تلنگری باشد برای کسانی که یا خود را به خواب زده‌اند یا غرور بیش از حد یا میل به قهرمان شدن آنها را به سمتی سوق می‌دهد که همان بلاهای مشابه بلای کودتای ۲۸ مرداد یا کودتای سیاه رضاخانی بر سر ملت مظلوم ایران بیاید.

وجه عبرت‌پذیری تکرار تجربه‌های تلخ و شیرین تاریخ به ما اجازه می‌دهد که در بعضی از جاها که احساس خطر می‌شود به این شبیه‌سازی‌ها دست زنیم. آنجایی که خمینی کبیر خطاب به علمای اسلام می‌گوید اگر بخواهید مانند گذشته بر مرام تشنت و تفرقه و دوری‌گزیدن از اتفاقات که بر مسلمین ایران و جهان می‌رود، پافشاری کنید بلایی بدتر از بلای رضاخان بر سر شما در آینده خواهد آمد، حکایت از همین وجوه شبیه‌سازی برای عبرت‌گیری دارد.

بر خوردهای اولیه دیپلمات‌های ایرانی با اروپایی‌ها و تداوم این بر خوردها در ادوار بعدی هیچ‌گاه در حافظه تاریخی ملت ایران نقش قابل‌اعتمادی نبسته است. اولین قراردادهایی که فرستاده وزارت خارجه ایران یعنی میرزا ابوالحسن خان ایلچی با فرانسه و انگلیس منعقد کرد قراردادهای خوشایندی نبودند و تمامیت ارضی و استقلال ایران را





همین قراردادها به باد دادند و نتایج آن را ملت ایران در جنگ با روسیه دید. قراردادهای بعدی هم تصویر بهتری از تصاویر گذشته در ذهن ملت ایران ایجاد نکرد. اکنون ما در آستانه انعقاد یک قرارداد حیاتی دیگر در تاریخ ایران هستیم.

این قرارداد در آینده تاریخ ایران ممکن است از چند جهت با قراردادهای گذشته توسط دشمنان یا دوستان انقلاب یا حتی مخالفان بعضی از دولت‌ها، شبیه‌سازی شود:

۱. از جهت این که این قرارداد در جمهوری اسلامی اولین قرارداد در سطوح کلان امنیتی است که به نوعی به استقلال و آزادی ملت ایران مربوط است و چون اولین قرارداد در این سطح است باید از تمام زوایا مورد توجه قرار گیرد.

۲. از بد حادثه بین آن کسی (میرزا ابوالحسن خان ایلچی) که اولین مذاکره را انجام داد و قراردادی منعقد کرد و کسانی که اکنون مذاکره می‌کنند (عراقچی و تخت‌روانچی) شباهت‌های اسمی وجود دارد. هر چند رهبر عزیز ما بارها فرموده‌اند که اینها بچه‌های مردم و بچه‌های انقلاب هستند لیکن در آینده تاریخ این شبیه‌سازی‌ها اتفاق خواهد افتاد. وقتی دولت یازدهم در انتقاد از دولت قبلی انصاف را رعایت نمی‌کند و سیاه‌نمایی را حق خود می‌داند باید انتظار داشت که آیندگان هم درباره این دولت چنین داوری‌هایی داشته باشند.

۳. از بد حادثه، قراردادهای اول، ملت ایران را اسیر قراردادهای گلستان و ترکمانچای کرد. از هم اکنون مخالفان این دولت توافق‌نامه برجام را با قرارداد ترکمانچای شبیه‌سازی می‌کنند.

این دلایل و ده‌ها دلیل دیگر به ما می‌آموزد که در انعقاد این گونه قراردادهای وسواس و دقت بیشتری به خرج دهیم. تاریخ نشان داده است که ما در قراردادهای لزوماً با افراد سر و کار نداریم بلکه با متن‌های قرارداد سر و کار داریم.^۱ چه بسا بوده‌اند کسانی در تاریخ که به

۱. در دوران قاجاری صرف نظر از مثبت و منفی بودن قراردادها، حسن کار در این بود که قراردادها به دو زبان طرفین قرارداد تنظیم می‌شد و هر دو متن به عنوان متن واحد مورد امضای طرفین قرار می‌گرفت. اکنون ظواهر امر نشان می‌دهد که توافقنامه برجام که به امنیت ملی ایران مربوط است فقط به زبان انگلیسی است. زبان انگلیسی زبان مادری تعدادی از طرفین توافقنامه است که خود در دعوا حضور داشته و مدعی و صاحب منفعت هستند. ما نمی‌دانیم کدام حقوق و منطقی این را می‌پذیرد که شما توافقنامه‌ای را بپذیرید که کلید تفسیر اصطلاحات و تعبیر آن دست یک طرف دعوا باشد. یکی از نگرانی‌های ملت ایران در مسئله برجام همین تفسیرهای متناقض ترجمه از این توافق است. در حالی که ظاهر ماده ۳ این‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافق‌های بین‌المللی شماره ۱۳۶۱۳/ت/۹۱ هـ ۱۳۷۱/۳/۹، به ما می‌گوید: در کلیه توافق‌های دو یا چند جانبه منطقه‌ای و بین‌المللی لازم است که نسخه از آنها به زبان فارسی تنظیم گردد و در توافق‌های حقوقی تشریفاتی مراتب رجحان زبان فارسی یا یک زبان ثالث یا تساوای اعتبار زبان فارسی با زبان طرف قرارداد، جهت تفسیر قید شود.

تبصره- در توافق حقوقی، تشریفات دو جانبه لازم است؛ یک نسخه از توافق به یکی از زبان‌های رایج انگلیسی، فارسی و عربی به عنوان زبان مرجع جهت تفسیر تنظیم گردد. در صورتی که زبان طرف مقابل از زبان‌های رایج باشد و تنظیم متن توافق به تشخیص معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری با لحاظ شرایط و روابط دوجانبه به زبان ثالث مناسب نباشد باید برای تفسیر، تساوای اعتبار متن فارسی با زبان طرف متقابل در توافق قید شود. اکنون سؤال ملت ایران این است که مذاکره کنندگان ما این مسئله حیاتی را در برجام قید کرده‌اند یا نه؟!

خطای مصدق در مذاکره با امریکایی‌ها به قیمت فروپسته شدن آزادی و استقلال ایران و کودتای سیاه ۲۸ مرداد تمام شد. کودتایی که با خود افسانه‌های جدیدی به همراه آورد و تا نهضت ۱۵ خرداد سال ۴۲ این افسانه‌ها سرنوشت ملت ایران را رقم زد و حجم زیادی از سرمایه‌های اقتصادی و انسانی را در خود فرو برد

هر دلیلی قراردادهایی را امضا کرده‌اند که سرنوشت یک ملت را به بیراهه برد و ملت برای آن تاوان سنگینی داد. مثل قرارداد ترکمانچای که از طرف ایران عباس میرزا و قائم مقام فراهانی دخیل در این قرارداد بودند و حتی در بعضی از متن‌های تاریخی آمده است که پیش‌نویس فارسی قرارداد ترکمانچای به خط قائم مقام فراهانی بود.

اما در تاریخ هیچ کس از عباس میرزا و قائم مقام به زشتی یاد نکرده است. اما آیا کسی از زشتی قرارداد ترکمانچای دفاع می‌کند؟ بنابراین نقد بر قراردادها لزوماً به معنای نقد بر افراد نیست.

«آنهايي که می‌گویند یکی از وعده‌های دولت به مردم این بود که سانتریفیوژها بچرخد اما زندگی مردم هم بچرخد. چرخش سانتریفیوژها زمانی برای ما ارزشمند است که چرخ اقتصاد هم در کنار آن در چرخش باشد»، اگر چه قبل از گرفتن سکان قدرت برای کم‌ارج نشان دادن فعالیت‌های هسته‌ای دولتی که نپذیرفته بودند می‌تواند نماینده شایسته جمهوریت نظام باشد، گفته بودند که «توسعه علمی و فنی کشور از طریق کسب دانش هسته‌ای تصویری نیست که بتوان آن را فقط برای یک دولت قاب گرفت و یا در انحصار گروهی خاص قرار داد و برایش طرفدارانی ویژه تراشید. کسب فناوری پیشرفته از جمله فناوری هسته‌ای به عنوان یکی از مؤلفه‌های سازندگی در فهرست نیازهای کشور در دولت سازندگی پیگیری شد و در دولت اصلاحات نیز با جدیت تمام شتاب یافت تا دولت‌های بعدی هم بتوانند آن را تداوم بخشند.»^۱ باید حواسشان جمع باشد که راه رفته دکتر مصدق در مذاکره با امریکاییان را در سال ۳۲-۳۱ مجدداً نیمه‌ایند و استدلال‌شان شبیه استدلال میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی و عباس میرزا نباشد که می‌گفتند: اگر ترکمانچای منعقد نمی‌شد معلوم نبود ایران امتیاز بیشتری نمی‌داد و اکنون مرزهای ایران به جای رود ارس تبریز بود. زیرا بعضی از گفته‌ها در مذاکرات هسته‌ای شبیه به همان اعتقاداتی که قرارداد ترکمانچای را شرم‌مطلوب می‌دانست، می‌باشد. مثلاً در یک جایی گفته شد: در دنیای سیاست و در مقاطع بحرانی و حساس کمتر انتخابی بین خوب و بد

۱. حسن روحانی، امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۰، ص ۱۷.





وجود دارد معمولاً انتخاب بین بد و بدتر است. برای قضاوت نسبت به یک اقدام تنها نباید فواید و آثار مثبت آن را اندازه‌گیری کرد بلکه باید توجه کرد که اگر آن کار انجام نمی‌شد کشور با چه شرایطی رو به رو می‌گردید. شاید تأخیر در راه‌اندازی یک مرکز تولیدی یا تعلیق تولید چند ماه در نگاه اولیه عملی مفید ارزیابی نشود ولی هم‌زمان به این سؤال هم باید پاسخ گفت که اگر همان عمل صورت نمی‌گرفت با چه پیامدهایی مواجه بودیم؟^۱

این خیلی شبیه استدلال‌های قائم‌مقام و عباس میرزا است و منطق درست به ما می‌گوید در روابط بین‌الملل این‌گونه استدلال‌ها در هر دو سر به نتایج مثبتی منجر نمی‌شود؛ زیرا در چنین قراردادهایی که استقلال و آزادی و امنیت و هویت مردم در میان است با اما و اگر و قیاس و استقرا نمی‌توان به نتیجه رسید.

این استدلال علاوه بر این که با منطق تاریخ مخالف است با گفته‌ها و استدلال‌های گذشته رئیس‌جمهور محترم نیز مغایرت دارد. زیرا ملت ما از ایشان شنیده بود که استفاده صحیح از نیروی اتم چنان برای توسعه کشور و رفاه مردم لازم است که چشم‌پوشی از آن یعنی پشت کردن به پیشرفت یک جامعه و یکی از مؤلفه‌های اصلی رشد و توسعه کشور.^۲

این نوع اظهارنظرها از طرف ریاست جمهوری این تصور را در مردم ایجاد می‌کند که یا خدای ناکرده حرف‌های ایشان مبنای درستی ندارد و صرفاً حرف‌های احساساتی و هیجانی برای جذب آرای مردم است یا این که از رفاه مردم و رشد و پیشرفت جامعه چشم‌پوشی کرده‌اند!

آنهایی که مسیری غیر از مسیر صداقت با ملت خود را طی کنند بی‌تردید فروبستگی‌هایی در تاریخ ایجاد خواهند کرد که تاوان سنگینی برای مردم دارد و عاقبت خوشی نیز در انتظار چنین آدم‌هایی نخواهد بود. خطای مصدق در مذاکره با امریکایی‌ها به قیمت فروبسته شدن آزادی و استقلال ایران و کودتای سپاه ۲۸ مرداد تمام شد. کودتایی که با خود افسانه‌های جدیدی به همراه آورد و تا نهضت ۱۵ خرداد سال ۴۲ این افسانه‌ها سرنوشت ملت ایران را رقم زد و حجم زیادی از سرمایه‌های اقتصادی و انسانی را در خود فرو برد.

شبکه‌های گسترده‌ای از نیروهایی که امریکاییان در اداره اصل ۴ ترومن شناسایی و

۱. همان، ص ۱۹.

۲. همان، ص ۲۳.

تربیت کرده بودند یا برای تحصیل به امریکا فرستاده بودند از راه رسیدند و آرام آرام بر مقدرات کشور تکیه زدند تا راه را برای پذیرش افسانه دموکراسی خواهی و حقوق بشر امریکایی باز کنند.

امریکایی‌ها دوست داشتند برای پاک شدن تصویر کودتا از ذهن مردم، دولت ایران خیلی زود از یک دولت بدنام کودتایی به یک دولت عادی برگردد. لذا زاهدی پس از یک سال و اندی جای خود را به یکی از همان نگهبانان افسانه نجات‌بخشی امریکا که از دوران سفارت خود در ینگه دنیا تنها راه نجات ایران را آویختن به ریسمان امریکایی‌ها می‌دید، داد و به این ترتیب حسین علاء در اول فروردین ۱۳۳۴ ردای نخست‌وزیری ایران را بر تن کرد و این استاد اعظم لژ فراماسونری که محبوبیت ویژه‌ای نیز نزد امریکاییان داشت به نخست‌وزیری رسید.

علاء شاگرد قوام بود و تمایلات شدید امریکوفیلی داشت ولی به قول مسعود بهنود هیچگاه مانند استاد خود دل یاران انگلوفیل دیوانسالاری ایران را از خود نرنجاند. بنابراین به تعبیری علاء را می‌توان حلقه واسطه دو گونه از دیوانسالاری دولتی ایران دانست. دیوانسالاری در حال گذار کهنه و قدیمی انگلیسی با تمایلات علم سیاست اروپایی و دیوانسالاری در حال جایگزینی امریکایی با تمایلات علم سیاست انگلوپروتستانی یعنی علم سیاست امریکایی. ما در جای خود این دو مدل از علم سیاست و طرفداران آن را در ایران مورد بحث قرار خواهیم داد و خواهیم گفت که نهضت ۱۵ خرداد چگونه پایه‌های این دو علم سیاست را در ایران به هم ریخت.

فدائیان اسلام که از نقش علاء در ترکیب سیاستمداران «انگلو- امریکوفیل» تا حدودی آشنا بودند و مأموریت‌های ویژه‌وی را برای الحاق ایران به پیمان دفاعی بغداد زیر نظر داشتند، می‌رفتند که با تیر مظفر ذوالقدر پرونده این مهره کارساز استعمار در ایران را ببندند ولی تیر ذوالقدر به هر دلیلی به خطا رفت و همین تیر به خطا رفته، بر فرق نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام نشست و تمام آزادی عمل فدائیان اسلام با این تیر به پایان رسید.

بهنود در کتاب/ *از سید ضیاء تا بختیار می‌نویسد*:

در نخستین سال دولت علاء، در پرتو گسترش وابستگی به غرب، واردات به ۲۳/۹ میلیارد ریال افزایش پیدا کرد در حالی که صادرات تا ۸ میلیارد ریال پایین آمد. کسری بودجه که نخستین بار دولت زاهدی آن را رسمیت داد ۱۵/۹ میلیارد بود که تکیه روزافزون کشور به وام‌ها و





اعتبارات خارجی آن را توجیه می‌کرد. سال ۱۳۳۵ دوران برنامه عمرانی اول که قوام آن را پایه‌ریزی کرده بود پایان گرفت، در حالی که عملاً در هفت سال عمر آن کاری صورت نگرفته بود. تهیه برنامه عمرانی دوم را به ابوالحسن ابتهاج رابط قوام و امریکایی‌ها سپردند. او در همکاری فشرده و تنگاتنگ با امریکایی‌ها و بر اساس توصیه‌های آنان برنامه‌هایی تهیه کرد که ۱/۱۲ میلیارد هزینه داشت که ۳۵ درصد آن بر پایه تعهدهای ناشی از پیمان بغداد بود و باید در راه‌های آهن، آسفالت، شوسه، بنادر و فرودگاه‌ها و تأسیسات نظامی خرج می‌شد. ۶۵ درصد هزینه‌های این برنامه را می‌بایست وام‌ها و اعتبارات خارجی تأمین می‌کرد.^۱

به عبارت دیگر بخش اعظمی از طرح‌های عمرانی برنامه دوم، از جیب ملت ایران برای حفظ منافع امریکا در منطقه از طریق پیمان دفاعی بغداد تأمین می‌شد و بیش از پیش راه سلطه همه‌جانبه امریکا بر ایران را فراهم می‌ساخت. در اثر سیاست اقتصادی درهای باز دولت علاء و تشویق به سرمایه‌گذاری خارجی به جای این که امور مردم بهبود پیدا کند جیب سرمایه‌گذاری که در کودتای ۲۸ مرداد سرمایه‌گذاری کرده بودند پر شد و آنها مزد خیانت‌های خود را گرفتند. همچنین دخالت دربار در مناقصات و مزایده‌های دولتی، کاری رایج بود. دفتر مخصوص شاه و دفاتر والاحضرت‌ها به بنگاه‌های بزرگ معاملاتی که دائم دلالت بین‌المللی در آن به رفت و آمد مشغول بودند، تبدیل شده بود.^۲ شاه که پس از کودتای ۲۸ مرداد عملاً می‌دانست که اختیار آمد و رفت حکومت او دست امریکایی‌هاست خود وارد این معاملات اقتصادی شد و امریکایی‌ها هم برای این که نسل جدید تربیت‌شدگان امریکایی جای نسل فرتوت و از کار افتاده اروپایی در دیوانسالاری ایران را بگیرند پیوسته شاه را برای انهدام فتودالیسم در ایران!! ایجاد بازار گسترده مصرف، توسعه طبقه متوسط شهری برای ورود به بازار مصرف، ایجاد صنایع مونتاژ، تأمین نیروهای کار ارزان این صنایع، گسترش شهرها و... تحت فشار قرار دادند.

می‌گویند علاء در ابتدا با نمایش واگذاری املاک خاندان پهلوی در سال ۳۱ که وزیر دربار بود و همچنین تهیه قانون فروش خالصه‌جات دولتی در دوره نخست‌وزیری، سعی کرده که تا حدودی امریکایی‌ها را قانع کند که اصلاحات مورد

۱. مسعود بهنود، از سید ضیاء تا بختیار، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹، ص ۴۱۵.
۲. همان، ص ۴۱۷.

فعالیت کلوپ‌های لاینز و روتاری در ایران ثبت شده و شکل قانونی داشت و شاه برای خوشایند امریکایی‌ها و صاحبان صهیونیست این کلوپ‌ها، نه تنها مخالفتی با فعالیت آنها نمی‌کرد بلکه با انتخاب افراد وابسته به این کلوپ‌ها و بهایی‌ها و یهودیانی که عضو این کلوپ بودند عملاً خوش خدمتی خود را به امریکایی‌ها نشان می‌داد

نظر آنها انجام خواهد پذیرفت. اما شاه احساس کرد چرا این اقدامات را خودش برای امریکایی‌ها انجام ندهد. مشکل بزرگ شاه این بود که هنوز امریکایی‌ها او را برای پذیرش این مسئولیت به حد کافی مقتدر نمی‌دیدند و دلیل آن هم این بود که هنوز دیوانسالاری ایران در دست خانواده‌های پر قدرتی بود که ریشه در سیاستمداران سنتی وابسته به انگلیس و علم سیاست اروپایی داشتند و اجازه نمی‌دادند که گذار از این دیوانسالاری به دیوانسالاری امریکایی اتفاق بیفتد.

اکنون نسل جدیدی از فراماسون‌ها که در امریکا تعلیم دیده بودند و تشکیلات «کلوپ لاینز» و «کلوپ شیران» و «کلوپ روتاری» را که روایتی امریکایی از فراماسونری بود به ریاست حسین علاء و جهان‌شاه صالح پایه‌ریزی کرده بودند که بنا به خواست امریکایی‌ها باید جایگزین لژهای اروپایی می‌شدند. شاه هنوز درک دقیق و عمیقی از این دیوانسالاری نداشت. همه می‌دانستند که کلوپ روتاری و لاینز کلویی است امریکایی که توسط یک حقوقدان صهیونیست امریکایی به نام پل هریس در شیکاگو تأسیس شده و اعضای آن صهیونیست‌های عضو جامعه بازرگانی شیکاگو بودند. با رجوع به اولین گزارش‌های ساواک^۱ می‌توان با افراد اولیه کلوپ روتاری و نحوه شکل‌گیری آن آشنا شد.



۱. کلوپ روتاری به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴-۱۰؛ همچنین رک: معماران تباهی؛ سیمای کارگزاران کلوپ‌های روتاری در ایران، تهران، دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، ۱۳۷۸-۱۳۷۷ و کتاب کلوپ روتاری به روایت اسناد، تدوین نادر خبازی دولت‌آبادی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.

گزارش اطلاعات داخلی

شماره ۳۲۷۱-۱۰۱۶

تاریخ	۲۲/۱-۱۳۳۰
موضوع	حرمات
محل	تهران
شماره	۳۲۷۱-۱۰۱۶

تاریخ: ۲۲/۱-۱۳۳۰
 تاریخ: ۲۲/۱-۱۳۳۰
 تاریخ: ۲۲/۱-۱۳۳۰

حرمات

در مسائل اطلاعیه‌های گفته می‌شود با توجه به (روزگار) که رابطه برسان اصلاح جهان
 مشاهده بود فریاد است که در ایران امروز بحال است. که بود و برای هم از میان نماند و -
 کارفرمایان آن بودند اند و رایج می‌باشند که جمعیت جامعه را اساساً بر مبنای است که
 باطنی است اساس برادر

محرمانه

تاریخ: ۲۲/۱-۱۳۳۰
 تاریخ: ۲۲/۱-۱۳۳۰
 تاریخ: ۲۲/۱-۱۳۳۰

محرمانه
 تاریخ: ۲۲/۱-۱۳۳۰

تاریخ: ۲۲/۱-۱۳۳۰
 تاریخ: ۲۲/۱-۱۳۳۰

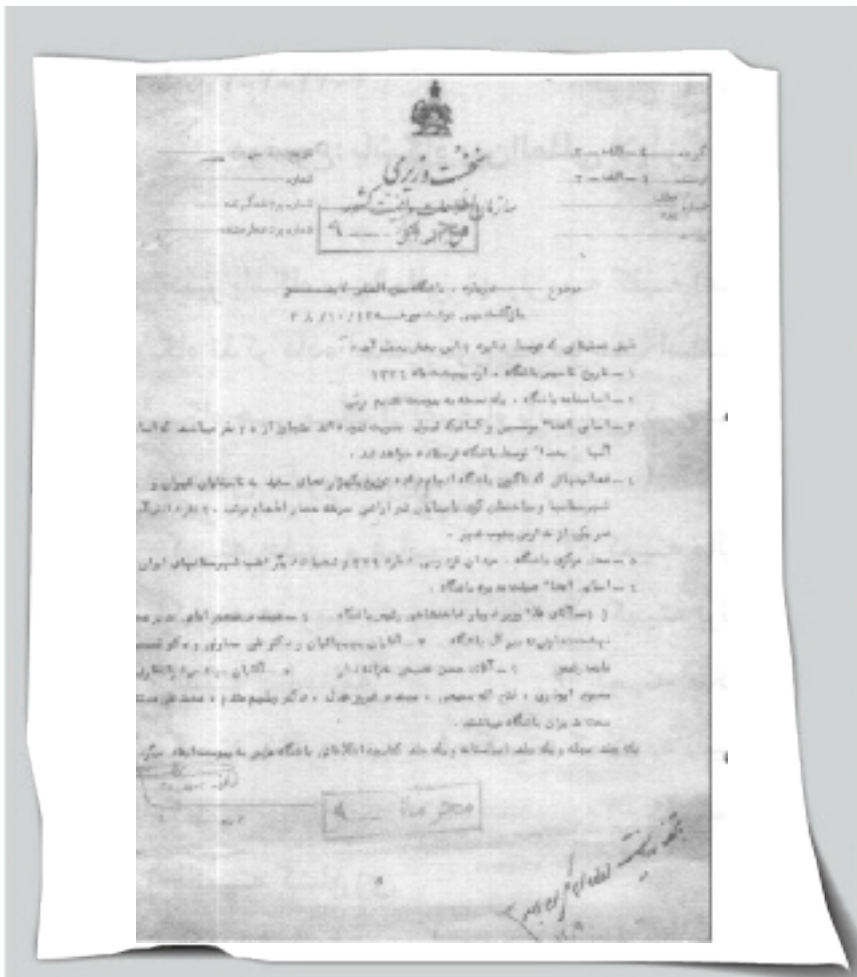
تاریخ: ۲۲/۱-۱۳۳۰
 تاریخ: ۲۲/۱-۱۳۳۰

تاریخ: ۲۲/۱-۱۳۳۰
 تاریخ: ۲۲/۱-۱۳۳۰

تاریخ: ۲۲/۱-۱۳۳۰
 تاریخ: ۲۲/۱-۱۳۳۰

۳۲۷۱-۱۰۱۶

ساواک در سند اول، کلوپ روتاری را وابسته به رؤسای اصناف جهان معرفی می‌کند و می‌نویسد عده زیادی از رؤسای اصناف و کارفرمایان ایران به آن پیوسته‌اند. در سند دیگری در خصوص نحوه شکل‌گیری کلوپ لاینز آمده است: این کلوپ در اردیبهشت ۱۳۳۶ تأسیس شده^۱ و اعضای هیئت مدیره آن آقای علاء وزیر دربار شاهنشاهی رئیس باشگاه، مهندس منصور امامی مدیر مجله نهضت تعاونی و دبیر کل باشگاه و... سپس اعضای دیگر را معرفی می‌کند.



۱. کلوپ لاینز به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴.

یکی از این مصیبت‌هایی که
مظلومیت‌های ملت ایران را
مضعف می‌سازد این است
که بعد از جنگ دوم جهانی آن
قدرتی که وارد مناسبات سیاسی
و اقتصادی در ایران شد همان
طوری که کرین بریتون گفته بود،
فاقد شعور تاریخی، ضد انقلاب،
مرتجع و از همه بدتر بیگانه با
فرهنگ ملت‌های دیگر بود. امریکا
چنین ویژگی‌هایی داشت

این اسناد نشان می‌دهد چگونه حجم قابل
توجهی از تحصیل کرده‌های جدید کشور، از طریق
همان مکانیسم‌های کمک‌های فنی و اقتصادی
و اداره اصل چهار ترومن، مورد شناسایی و
شکار امریکایی‌ها قرار گرفته و در سازمان‌های
جدید فراماسونری وابسته به صهیونیست‌های
امریکایی یعنی کلپ لاینز، کلپ روتاری و غیره
در ساختار قدرت و سیاست و مسئولیت‌های
دولتی جای می‌گیرند. امریکایی‌ها با کمترین
هزینه در قالب کمک‌های فنی و اقتصادی، به خرج

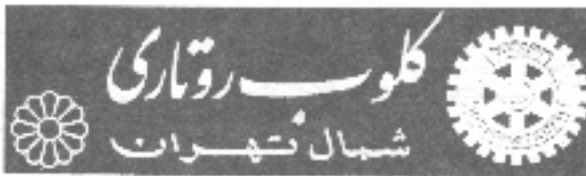
ملت ایران بیشترین سرمایه‌های انسانی را به خدمت گرفتند و به صورت قانونی و علنی
در قالب سازمان‌های فراماسونی بر تار و پود ساختارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی
ایران مسلط شدند.

فعالیت کلپ‌های لاینز و روتاری در ایران ثبت شده و شکل قانونی داشت و شاه برای
خوشایند امریکایی‌ها و صاحبان صهیونیست این کلپ‌ها، نه تنها مخالفتی با فعالیت
آنها نمی‌کرد بلکه با انتخاب افراد وابسته به این کلپ‌ها و بهایی‌ها و یهودیانی که عضو
این کلپ بودند عملاً خوش خدمتی خود را به امریکایی‌ها نشان می‌داد. اسناد زیر نشان
می‌دهد که به مناسبت‌های مختلف اعضای این کلپ‌ها به شکل رسمی با شاه ارتباط
داشتند.



[سند شماره ۱]


[مختصرها شاه ریاست عالیہ کلوب روتاری ایران]



[بند شماره ۱]

[ارزایی سازگ از اساسنامهی کلوب روتاری]

گیرنده	تاریخ
فهرستنده	شماره
مطلب	شماره روزنامه گیرنده
پوست	شماره روزنامه فرستنده


نخستین روزگار
 سازمان خدمات و پیشرفت کشور
 شماره ۱۱۱۱۱۱

موضوع ۰۴۰۱۹۰۴۷

یادداشت اداری:

رکاب اول کلوب
ولایت

رباعیت بخش:

اساسنامه (کلوب روتاری) مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت . بطوریکه از طرف آن استنباط شد هدف این کلوب ایجاد وحدت و همگامی بین بازرگان و صاحبان مشاغل آزاد است که وابسته به عضو روتاری میهن‌طلبی است .

چنانچه اصلاحات زیر در مواد اساسنامه بحکم آید .

- ۱- کلوب میزبانی و توجه در امور میانی مدخله نداشته باشد .
- ۲- مرکز اصلی فعالیت این کلوب تعیین و مشخص شود .
- ۳- هرگونه تغییر و تبدیل در مواد اساسنامه با مقررات جاریه کشور مطابقت نماید تشکیل آن منوط با حراز صلاحیت موسسین خواهد بود .

دکتر قزوینی



[سند شماره ۶]

[پیام شکرگزاری اعضای کلوب به شاه پس از سوه قبیله به وی در سال ۱۳۱۱]



کلبه شاهانه ایران
از پیشرو

فکر بسیار بی پیرایه شادمانه ۱۳۱۱ ۳۶ تا ۳۷
با ۱۳۱۱ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

بهاگه مبارک شماگان انجمن صحراییان شاهنشاهی
احضاد کلوب و درباری مبارک این از پیشرو
و کلبه ایستاد آرز شکر (۱۳) از پیشرو ماه ۱۳۱۱
خریصانه در کنار و هایت بر درگاه شاهانه از پیشرو
بخوان مبارک شاهانه در صحرایی در پیشرو شاهانه از پیشرو
بخوان مبارک این از پیشرو این از پیشرو و شکرگزار
خبر و در باطن چشمه عفتگر کلوب در درگاه شاهانه
۳۱ فروردین ماه ۱۳۱۱ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰



بخش ویژه

دوره سوم - سال هجری شمسه ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ - شماره ۴۴ - چهار و تابستان ۹۴

[سند شماره‌ی ۵]

[تنگرام کلوب ووداری ایران به شاه در پایان همایش کلوب‌های روتاری و جواب آن]

پادشاه شاهنشاهی آذربایجان به تنگرام آستانی در پایان همایش
کلوب‌های روتاری ایران از آنجا شهر مقدس مشهد

این خبری ۱۳۳۲/۱۲/۲۲
شماره ۱۱۱۱۱۱۱۱

مقامات محترم و رؤسای کلوب‌های روتاری در سراسر کشور
با توجه به اینکه کلوب‌های روتاری در سراسر کشور
در راه پیشرفت و توسعه کشور عزیزمان
کوشش‌های ارزنده‌ای انجام داده‌اند
و در این زمینه نقش‌های مهمی ایفا کرده‌اند.

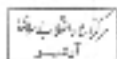
این بفرمایید و متشکرم

مخبر سرانجام و بپایان رسیدن ششمین همایش کلوب‌های
روتاری ایران در مشهد تنگرام آستانی در تاریخ ۲۲/۱۲/۱۳۳۲

پیغام پادشاه آذربایجان به کلوب‌های روتاری

مقامات محترم و رؤسای کلوب‌های روتاری در سراسر کشور
با توجه به اینکه کلوب‌های روتاری در سراسر کشور
در راه پیشرفت و توسعه کشور عزیزمان
کوشش‌های ارزنده‌ای انجام داده‌اند
و در این زمینه نقش‌های مهمی ایفا کرده‌اند.
پس امید است که در آینده نیز
کوشش‌های خود را در جهت پیشرفت
کشور عزیزمان ادامه دهید و در این
مسیر مبارک قدم‌های بزرگی بردارید.
این بفرمایید و متشکرم

این بفرمایید و متشکرم
۱۳۳۲/۱۲/۲۲



[استد شماره هی ۸]

[گزارش وزارت کشور به ستادک درباره گلوب روتاری]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على
المرسلین

شماره
تاریخ
موضوع
محل



۰۲۰۰۵۰۱۶

شماره

تاریخ

موضوع

محل

وزارت کشور

شهر بانی گلوب روتاری

(موضوع)

مراکز با گلوب روتاری
گلوب روتاری

ریاست سازمان دامپزشکی و تشویه کربوه

درمان و کلون، بزرگ

مطابق با بخشنامه ۱۳۶۶۱/ت.د.۲-۲۰/۲۰۰۵/ت.د.۲۰۰۵/ت.د.۲۰۰۵

بر اساس آئیند کتربمبانشاد صالح بخشوریه آدابیهما س سعیدی - مجد ان لید و
چارلز هراک - ست العزید امیر امیرین - محل بعد نماز - کتربیه وین وینارند
ه کترکسواقی سبله - شیروزیات کتربیه - دست د انشیرینو انشیریه ۹۹۹۹ کتربیه - ده
و آزان شریع تاکنین هیدو کتربیه - سید امیران - پویش کتربیه - اعلام تشویه کتربیه -
شش ۲ هی کتربیه - کتربیه - کتربیه - کتربیه - کتربیه - کتربیه - کتربیه -
پلویشیه هرجلی - کتربیه - کتربیه - کتربیه - کتربیه - کتربیه - کتربیه -
ایستادیه - کتربیه - کتربیه - کتربیه - کتربیه - کتربیه - کتربیه -
کتربیه - کتربیه -

از طرف رئیس شعبه هی کتربیه - سرمد تشویه کتربیه

در بعضی از اسناد لانه جاسوسی امریکا ساختار دیوانسالاری انگلیسی- امریکایی رژیم شاه و حلقه‌های اول و دوم آن نسبت به شاه و دربار او، جالب ترسیم شده است. امریکایی‌ها برای تداوم روابط سلطه در ایران عموماً به ساختار دیوانسالاری توجه ویژه‌ای داشتند و پیوسته این دیوانسالاری را از طریق مأموران جاسوسی خود کنترل می‌کردند و تغییرات درونی و جانبی آن را زیر نظر داشتند. نمونه‌ای از این اسناد نشان می‌دهد که چگونه امریکا با نفوذ در این دیوانسالاری و شناخت روابط پیچیده درون آن خود را به حلقه‌های اولیه پیرامون شاه نزدیک می‌کرد و این حلقه‌ها را در خدمت منافعی خود درمی‌آورد.^۱



۱. برای مطالعه کامل این اسناد رک: *اسناد لانه جاسوسی/ امریکا، روابط امریکا و شاه، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، بی تا، ج ۷، ص ۵۳-۱۰*.





یادداشت

این کتاب برای استفادهٔ خوانندگان مختلف تهیه شده است و بخش های خلاصه و نتیجه‌گیری برای آشنایی است که می‌خواهند در مدت محدودی، جوهر این جامعهٔ پیچیدهٔ باستانی و با آینده در حال حاضر را درک کنند. بخش اصلی این رسالهٔ کتابی را مورد عتاب قرار میدهد که متفکران و پژوهشگران ایرانی انجام میدهند که نتوانستند با این موضوعات که متعلق به دنیای غرب است، آشنایی و ارتباطات خلاقانه‌ای که نیروی محرک این جامعه است، داشته باشند. برای آنجا که عملاً در ارتباط روزانه با طبقهٔ اداری ایران هستیم، بخش اصلی و خطرات یا مگاترنگ‌ها، متن برجسته‌شده می‌دهند. این کتاب در ادارهٔ تعظیفات سیاسی تهیه شده است و افرادی از واحدهای دیگر آن را خوانده‌اند و نظر خود را ابراز داشته‌اند. پیشنهاد است که این کتاب بسیار مفید بود و همین جهت از آشناسان و همکاران می‌خواهم، آید تا این مورد که کتابی تهیه شود که از نگاه خوبی در آن مباحثی را جایگزین کند. امیداً - نویسندهٔ سابق - این کتاب بتواند به عنوان منبعی برای دانشجویان و محققان و متخصصان در زمینهٔ ۱۹۹۵ تکمیل شده نظریات و مکتوبات و انتقال می‌تواند. آید را برای نویسندهٔ همکاران، فریاد، (جاکسری ۱۳۹۲)

دفتر مرکزی اطلاعات جاسوسی

مدیریت جاسوسی

اداره تحقيقات سياسي

" نقشگان و تقسيم قدرت بر ايران "

نویس: آر. اونی

فوریه ۱۹۲۶

خلاصه و نتیجه گیری

نخسگان ایران

در این کتاب آقای ساسی و بن‌الملکی ایران منطور نیست بلکه می‌نماید تصویر تحلیلی از افرادی که ایران را اداره میکنند . بر سیاست آن تسلط دارند و تجارتش را کنترل میکنند و چهارهای فرهنگی و اخلاقی آنها حین میکنند و حتی گوشتش دارند تسوهای آن را هم تعمیر دهند آراسته شود .

در ایران نوایم دستبانی بحقوقیت نخسگی همان موارد سنتی از نهاد خانواده - حقوق بر روابط آرماب ، آرماب رجوع - نیرو و تحصیلات است .

در واس ساخت گروه نخسگان شاه قرار دارد . سنت ایرانی پادشاهی که از قرون منتهای به پادگار مانده است از هر سلسله یا هر شخص زمامداری با بر جانر بوده است . ایران بدون شاه برای اکثر مردم موضوع منافی نظر میرسد . شاه در اواصل سلطنت دارای قدرتی سودمند بزرگان بر او تسلط دانسته ولی حالا قدرت او بعدی است که حرف او قانون به حساب می‌آید .

بر حدود ۲۰ خانواده بر قدرت ایرانی هستند که اعضایشان داماناً و به سادگی می‌توانند بر امور سیاسی و دولتی دخالت کنند .





۱۵۰ خانواده مهم دیگر نیز وجود دارند که اخصیان در سطح کشور محسوب می‌شوند. تعداد اینان همیشه ثابت نیست و ترونتا سبکتر حسب نیاز و مهارت اعضای کم و زیاد می‌شوند.

تقریباً $\frac{1}{3}$ از این خانواده‌های برودنت در دوران زمینی که رها شده اند برانداخت می‌شوند و نفوذ داشته‌اند. زیرا کارگاه محل طراحی خیلی از برنامه‌ها می‌باشد. در خانواده شاه یک طبقه شیونزان و از نظر مالی قوی وجود دارند که برحسب تئوری آنها خواهر دوقلویش اثر می‌گذارد که صاحب ملکی حریف و تأملات حساسی مقرر می‌نماید. وضع کلی سلسله از زمانی که شاه در سال ۱۹۵۹ با زنی از اخصیان کم‌ارز تر یک خانواده نخبه کشور ازدواج کرده بهتر شده است. فرض که در مراسم تحصیل کرده بود در بیشتر برنامه‌های اجتماعی شاه نقش سازنده‌ای داشت.

علاوه بر خانواده‌های خیلی از مقامات و حیره خواران سوتاه با اضافه کرده‌اند و نظر حیره که او تنها به گروه کوچکی نگاه داشته باشد. شاید در حدود ۱۲ نفر که به آنها اخصیان خاصی داشته و برای کسب اطلاعات از آنها استفاده می‌کنند و همچنین از آنها برای ارسال یا دیگر گروه‌های جامعه استفاده می‌کنند. نظیر کلی این اشخاص با وجود آنکه مقام رسمی ندارند ولی صرف نظر از مقامات روابط خیلی نزدیک با شاه دارند. از این ۱۲ نفر ۳ نفر وابسته به اقلیت برودنت هستند البته این نفوذ آنها باعث نزدیکی آنها با شاه نشد، بلکه یونسی قرار می‌دهد و جدولت و وفاداری آنها موجب این نزدیکی شد. برای مثال فرد داگستری اندکله علم کار یک خانواده با نفوذ است برای مدت ۶ سال به شاه نزدیک بوده و تمیز "فردوست" که پدری یک گروه‌ها بود برای مدت ۱۰ سال دوست شاه بوده است. ولی با وجود این شاه تنها تعداد محدودی در جامعه می‌تواند به او دست و توصیه دهد. چرا که می‌گیرد و دیگران اجرا می‌کنند.

در طول ۱۶ سال گذشته مجلس است دست شاه بوده است و نظام

ناه را برآورده می‌گردد است و تمام نمایندگان که با دولت بوسیده ناه
انتخاب می‌شوند حائز برنامه‌های ناه می‌باشند.

طبقه جدیدی که بالقوه می‌تواند با طبقات سنتی رقابت کند
در حال شکل‌گرفتن است. این طبقه تحصیلات تخصصی دارند و طبقه
موسساتی هستند. اصلاً آن روابط سنتی را نمی‌کنند و بر مصلحت
مردم تکیه دارند. لیکن تحریمات وسیع غیر سنتی دارند و اکثر اسلام
را حیوان‌راه‌های زندگی می‌پسندند. این طبقه شامل همه نوع منصفین
سیاست - دکتر - وکیل - استاد - نویسنده - هنرمند و نامرئی که اغلب
حسگر آسیا هستند. اکثر افراد این طبقات خودشان را از مخالفین ناه
بداند و حیوان‌پسندان یکسری مرد و دمگراتیک که جامعه‌الاسلام
را متحول خواهد ساخت و سنت قدیم را کنار خواهد زد. می‌دانند
هنوز منصف نیستند که این گروه حیوان‌گروه جنسی رشد کند.

کوشش ناه برای کنترل تورم و منابع غیر قانونی باعث دستگیری
رندانی و محارفات نسبتاً معززه‌داران کوچک، بلکه افراد با تعصب هم
کنند است.

گروه‌های نوریسی جدیدی برای زبانه و برانجام‌های هستند.
این سازمانها صورت ۲۰ سازمان معاهد بر طبق و عدالتان طبق با ابتلا
مذهبی و ایزدیشیا با یکدیگر فعالیت می‌کنند.

بشرطیات تصمیم‌گیری بر این مقدمات است که حکومت دارای خود را
دست داده است. آسیا خواهد تعیین در شکل حکومت هستند.
روحانیت احتمالاً خواهد تعیین نفس حکومت برتوت، بلکه خودشان
خواهد شد که ناه‌گویی برود. برای آسیا یک دولت غیر مذهبی بهترین
آنداره ناه گویی خطرناک می‌باشد. رهبران روحانی بیشتر نظرمیرند
که بر این مقیده باشند که ناه گویی مثل غیر از جنس تعیین دادند
اسلام را در ایران ناهود کند.

افراد زمین به آسیا افرادی هستند که آمریکا با آسیا کار و مذاکره
و روابط اقتصادی خواهد داشت بلکه این افراد بدون توجه به سایر روحانیان





به اشتغال در مقام‌های با نفوذ ادامه خواهند داد.

* جیل خانواده مائیت‌رینه *

* عدل - * امینی - * اکثر - * با علم - * علم - * امینی - * اردلان
 آشتیانی - * نیات - * یونیری - * یخنیاری - * دهنوی - * دیبا - * دولتی
 ابراهیمی - * آمانی - * افسندیاری - * فرما نغمه‌ایان - * آمانی خونی - * انبال -
 عکسی - * هدایت - * حیاتیانی - * خواجسوری - * حلمتوری - * میدوی - * منصور
 * پیلوی - * پناهی - * پیرساز - * فرهنگزاد - * فتاحی - * فوکر - * معاری - * مسمی
 وکلی - * وثوق - * زین - * زنگنه - * ذوالفقاری
 * کسانی که با علامت ستاره (*) مشخص شده‌اند، خیلی با نفوذ
 هستند.

* کلامی ترمیمات نخبگان *

در ایران بطور ضمنی نوازیم دست‌نهایی به مشاغل خیلی خنجر ارتباط
 خانواده‌ای، نفوذ در یک رابطه، ارتباط - ارتباط - رسوم - تحصیلات - تزیین
 بوده است. برای فهم ایران به بهترین وجه باید سنتز و طبقه و عملکرد
 نخبگان سیاسی آنرا فهمید تا اینکه ساختن دیوانسالاری و رسوم و آیین
 بررسی شود. دیوانسالاری‌ها اغلب باوقاف و مشاغل شخصی دلالان قدرت
 یا صدان مبارزات شخصی بوده است.

حسب ایران صورت - اختلاف پذیر است. - و هرگاه که برای اعتبار
 از در هم تکسین لازم باشد خودرا تغییر میدهد. زمانی که با یک‌همی
 نفوذی تغییر میکند. نخبگان هم برای حفظ موقعیت و تقابل خودرا
 تغییر میدهد. دربار پارلمان - بانکها و تجارت - همگی عنوان مراکز
 هستند. برای حفظ قدرت و موقعیت کارگرفته شده‌اند و می‌شوند و
 خواهند شد.

افراد بی‌که در مقامات بعد نامبرده می‌تواند به تنهایی عنوان افرادی
 که آمریکا آنها را اینان کار می‌گذرد و برآورده خواهند کرد. بلکه به
 عنوان سوند گروه‌هایی در نظر گرفته شده‌اند که نامشان با ظاهرشان هرچه
 باشد. هم‌چنان مشاغل با نفوذ را در اختیار خواهند داشت.

فریاد دوست و عالی‌ترین مستقیم با شاه داشت.

— جویبار و تابستان —

حفاظت که تا حال حصول بوده است، به سر از مقام پادشاهی
گروه سبک کوچکی از خانواده‌های حبه سرزاده‌ها "ایران حکمفرمایی
میکنند و قدرت و نفوذ را به سبک در سیاست ملکه در حدوده بازرگانی
مادرات اقتصادی و مشاغل در اختیار دارند. اصفا این خانواده، غالباً
سیوت از دولت به مشاغل سیاسی یا قضائیه‌ای فردی و انجمن نقل
مکان میکنند. و حقیقتاً "ایران نفوذ سیاسی ایشان در مدالیه‌های عمومی
مکن است. یادگار به زمانی که صدر امری هستند زیاد باشد. خاندانیه‌ای
حبه "بزرگ اکثر" خاندانیه‌ای مانده‌اند که آسیا از یک یا چند طریق
با شفاقت متوسط مرتبط می‌شوند. متوسط‌ها مکن است از این فرایند
منفعت نمایند. هر چند که حزبی از جنگجوی سیاسی شوند. سایرین
دیواره حدود سیستم شفاقتی بهم می‌خورند و احتمال تخریب شفاقتی
مطمئن نقل می‌مانند.

صاف حبه برای تضمین در زمان قاجار مکن. خرید زمین
منصب و قدرت سیاسی بود. تضمین شده در ۱۹۲۵ حصول صل جدیدی
از تضمینیه‌ای حبه را بر برداشت. اما آسیا به سرعت در برآورده
مستقیم که سیوت جدید را که با قاجار داشتند برگردانند و پیمان
را جایگزین قاجار کردند. عمل شدند. در صورت قابل دسترس حبه
گنوی مشخص می‌شوند که بوضوح از آن جهت کامل در فری سیستم بر
غالب بودند.

فهرست خانواده‌ها:

عدل - اقصی - اکثر - علم - اعلم - امینی - اردلان - آستانی
بخشاری - سبک - نوشهری - دهنری - دیبا - دولشاهی - ارواحی -
ایمانی - حوی - اقبال - آستیناری - فریادگرانیان - حکیمی - خدایت
حیاتی - خواجه‌نوری - خلعتبری - سیدی - منصور - پهلوی - باغی
پوریا - فرنگزیه - شفاقتی - قوام - سفاری - صغری - وگانی - وتری



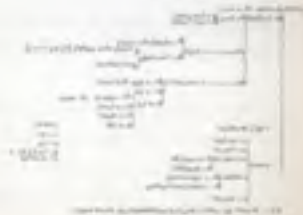


رسم - رنگد - دولفظاری

چ- یادناهی:

رأس کئی ساخت سیاسی و اجتماعی شاه قرار دارد. روش حکومتی وی-که در خاورمیانه منشی فاعده- تصور است- ۵ خصیصه دارد:

(۱) فردیت- زمامدار بکارگرفتن روابط شخصی خود را به استفاده از تشکیلات رسمی دیوانسالاری ترجیح میدهد. (۲) فرات- آبیآ که به شخص رهبر برمیگردد یا نفوذترند. (۳) غیر رسمیت- اغلب از طرق سیاسی غیر رسمی بیشتر از مو-سبات رسمی چون احزاب سیاسی و هیئتهای مقننه برای اعمال سلط سیاسی پا-عزت استفاده میشود. (۴) تعاضب متعادل- رهبر همچون اکثر نیرو-سناش از طریق یک منشی ایجاد نفوذ و سپس فرماندهی حکومت میکند. تعاضب بین رفقا تشویق میشود اما برای حفظ تعادل بین شخصیتها و گروههای متعاضب این آمادگی وجود دارد که پستهای غیر داده شوند. (۵) ایجاد نظامی و شعامت فردی- در این سیستم در اختیار داشتن نیروی نظامی برای رهبر حکم اساسی دارد. در تاریخ ماورای حانه تصویر یک حکومتی مهربان محسوبیت دارد و بوفیت (یا انگست) در صحنه کارزار به بوفیت رهبر بر صحنه سیاست داخلی اثر بر جستان دارد. (۶) توحیه دینی- زمامداران منشی خاورمیانه بوسله ارتباط دادن خود به نحوی از انحاء یا خاورالطبیعه اقدام به توحیه زمامداری خود کرده اند.



پادشاه : شوهان او و عورک

شاه ایران مدت ۴۴ سال، یعنی بیست از هر رهبر دیگر در عاقل
جهان، به تخت جوده است. طول بقای او را می توان نسجه ترکست
شرایط فرهنگی، تاریخی و سیاسی داشت که نه تنها بدیده آملین یک
وامه دار مستند را مطلوب میدانستند است بلکه اشاره داده که شاه قفای
نصرتان وامه دار باشد. اگر چه سلسله پهلوی سابقه طولانی ندارد و
برای تأسیس حاکمیت خود به در دست داشتن وامه داری فاقد خدمت
تاریخی لازم است. ولی از جرمایه میهنی لشکران — کشوری پادشاه
بهره می برد. حتی در آن دورانی که ایران قدیم (پارس) در خروج و مرجع
بود و این امر مگر اتفاقی افتاد. یک شاه نر کوشای بود و بی افسار
تاریکانه بود. اما — مانند قهرمانی انوار بعد — حاکمیت حتی را که
با این نظام فرس است با خود داشت.

سند پادشاه پادشاهی او هر سلسله یا شخصی هر حاکم مستقر
بوده است. منحصر آن که اینها غالباً حفظ پستیانی بخشای قسمت
را از دست میدادند یا همیشه از پیاده مخالفت از خود و زمینشان در
شمال رفا سر می آمدند ممکن بود جمع شوند و می شدند. در حکومت
سند پادشاهی یک خطونه کلاسیک تاریخی به نام شاهان، با کتار
نقشبان حاصل حاصلی بوده. پادشاهان در برنامهریزی « فرهنگ ایرانی
اصال شاهان افسانه ای که بخاری سروده شده بود حتی رعایت که زبان
مادری ترکی، کردی، بلوچی یا عربی از چندین زبان دیگر بود. در
باطن شکل اندر شکل حاکمیت می آمد. پادشاهان — اینکه شاه باید باشد
نرتیب دانی امور شد. و اینکه آن شاه جنگی باید داشتند از توجه کمتری
بر خود را بود. هم پهلوی اول و هم پهلوی دوم در زمانه امپراتوریست
سلسله خود و خلق ایشان به وامه داری ملاحظه نشان داده اند. شاه به
مست پادشاهی این را هم افزودند است که عنوان شخصی خود همواره
از منابع ایران در برابر حمله خارجی دفاع کرده است و مستحق آن
ناستکی انجام جسی کاری را دارند.





الف - بیوزها

رمانانه اگر چه مصلحتات رسمی محدودی داشت ولی زیورک و مکتب بود. سطر سرمد وی باعث برسی و هم‌نخسین در واحید خود شده است. و هنوز انگلیسی فراز داد که واحید از آن زمان سخن در برابری با آن داشته است.

انتیاج حکومت محمدرمانانه بی‌شکون بود. ایران به اشغال قدرنیای خارجی درآمد نمود. تورم، کمبود مواد غذایی که گاهگاه بعضی بی‌احتیاجید و مسائل سخن و غیره یک پادشاه محرب را به میدان میخواند. با برمانند شدن سکنی گیزه آهنی رمانانه سیاستمداران محرب به نصبت نیافع سیاسی و مالی خود برداشتند. زمانی محمدرمانا تصمیم گرفت بر تسلط بر سیاستمداران به پرخود برسد ولی از خود این کار سزا برای مدت تقریباً یک دهه شاه چیرهد شععی از خود نشان داد که گاهگاه اقدامات فاطمی هم انجام میداد. بهرحال وی در رفع نرسید از بیاحتیاجی از بینیبایی یک نخست‌وزیر قوی و ضابطک و ... از بینیبایی آمریکا برخوردار بود. وی عقاید خونرا که سر از حال ننگ یافس بودند در گفتگوهای خصوصی با نمایندگان دیرانایای خارجی خصوصاً سفرای آمریکایی وانگلیسی در میان میگذازد. جهت نصیحت آسان این بوده که شاه باید پادشاه مشروطه طلب باشد. وی در نهایت این نظریه را که او باید سلطنت و نه حکومت کند غیر قابل استفاده شخصی داد.

نزدیک رای و عدم قاطعیتی که وی در نشت اول حکومت خود نشان داد می‌تواند بعنوان نسخه عاری نظریه‌فانی دانست که معمول اقامت وی در سوئیس بود و با مصالح خیرخواهانه غیبت می‌شد. از یک طرف از طرف دیگر آرمای وی که می‌خواست با پدرش برابری کند و آن هم با واقفنیای رفتار سیاسی حکیم می‌شد.

با نخست‌وزیری محقق (۱۹۵۳-۱۹۵۶) دوران بازنگاری شاه پایان یافت. محقق باوایی منحصر به فردی در انجام امور داشت و بطور

جوانان را حشم بود شاه را به مقام یک شیخ بوعالی تنزل دهد و
شرفه اراست با خود تمام مردم مورد را تقویت کرده
است خاندان سلطنتی

رعایا در سر محمودی شخصی احتیاجات چهار حشم داشتند
چند که همه در یک زمان بودند و احتیاجات از یک صیغه در سابق
اولیه شروع میبود و به یک شاهزاده از سلطه سابق، ناچار خند
می شود. از انواع آخر وی هنگامی که میوفت بدعا می برسد انجامد.
حشم دوم بود که دعوت امیر فرمانده "بریکان عراقی بود که در آن
خدمت میکرد. پادشاه مدعی است.

اول است شاه یکی از معدودترین مشکلات وی را در اکثر دوران
حکومتش ایجاد کرده است. دربار زمانی مرکز شیونانی و شاهان و پادشاه
و اعیان خود بوده است. این تصور ممکن است تا حدی اصلاح یافته
باشد. با کثیر عنوان شاهجه در انواع جمع میگردد. اما تصور قدسی
همچنان در ذهن عمومی باقی است و بعضی از فعلتها شاید شرافت
احتیاج بیشتر ادامه دارد. بطور مرتبه دوش از اعیان ملامت خانواده
شاه بیشتر نفوذ را در گذشته بر وی داشته اند. پادشاه وی که اکنون
یک صوره ۲۰ ساله حرم نشین است. شاه را در دوران اولیای به
میده سفر می نگریست چون گورا نایب است حشم خود سردار است. از
او (پادشاه) اخبار گشوی در دست است که وی علیه محمد رضا نوشته
می کشید تا فرزند دیگر خود علی را به جای او بنشاند.

اشرف به حسب نژاد مانی و موقفیت در تعطیل مردان جوان شیری
اصناموار دارد. تا بحال هیچکس در مطلق خاطر اشرف به برادر و قتلوی
خود تردید نکرده است و در احتیاجات "پشتگرمی دادن به شاه را در مطلق
سحرائی گذشته میدهد داشته است.

شاه مانی با قادر به ایجاد تدبیر جوانتر من محمود کردن فعالیت
علی سیمی کما و سمرقند شهرام به آن اشغال داشته است. سوخته است
شاه. خاندان سلطنتی یک مجموعه درهم است. فرج دین حشم سوم





ماه فکاهه بر انعام قوی و لطیفه، نفساً آوردن یک و لجهت اعتدال دیگری هم دارد که به همان اندازه مهم است و آن عطرکردی است که حیوان بلکه در اجزای برنامه‌های شاه ایفا میکند. وی نوشته است سخن حق سپور مشتی از هزار ارثه دهد.

چون اطرافیان توبه را

شاه و خاندان سلطنتی در اعطاء دهنه بزرگی از افرادی است که با هر دعای یکی از اعضای خاندان اشغال رسمی یا شبه رسمی دارند. با از منظر شاه، دیوان یا کارکنان تیربارند یا اینکه عضو آن هستند هیچ این افراد انواع دیگر، لایق و قابل تا بگذرد. جاهلوس و بی‌سواد را اعطاء می‌نمود. در مجموع، عادل اعتدالاً به طالب صانه سوز دارد. وزارت دربار سلطنتی: این وزارتخانه یک طوفه دیوان است که تمام مقاماتی را که در خدمت شاه و دیگر امعا خاندان سی هستند در خود جای میدهد. هرکس که طالب عطف شاه است به سرد یا نوزاد باشد معتدل است که آنرا از طریق یکی از اعضای تیربار دنبال کند. البته اگر ممکن باشد. زیرا حتی نون عرس دربار می‌تواند دسترسی و سبتر از طرق معمول دیوان مالکوت ممکن سازد. براس دفتر مخصوص شهبانو در حال حاضر و شقه دارد هر فرزندانی را به شهبانو ارائه کند تا تعیین شود که شهبانو فقط گهی از قدرت اقدام مستقل برخوردار است. این امری است که خود شهبانو از آن آگاه است.

حلقه داخلی

حلقه داخلی شاه بیشترین نفوذ را بر وی دارد و طرق ارتباط با شهبانای نیم جمعیت را فراهم میکند. آنها او را گروه در حضور هستند. بقیه هم حرم اطرافیان شاه می‌باشند اما ظاهراً عملکرد معدودی دارند. رابط شاه با مقامات ارتشی و امنیتی سولشگر حسن فردوست است. دکتر عبدالکریم فایدی، بزرگ مخصوص شاه، ظاهراً محرر اصلی مداخله شاه در امور بازرگانی است. گفته میشود که مابقی حتی در سفر شاه میل شاه با تریا، شاه را همراهی کرد. از دیگر گزارشات این

است کوی سیاست شاه را در تسلط جنوب برمیخیزد داشت. ناظران مطلع آن فعالیت را ترکیبی از عدم کارایی و فساد و مضرت‌زداند که هشتاد و نهم آن ملو از نصارهای بازگشته بود. احتیاج امن فعالیت‌ها را آنقدر منظم بود گننام شرکت دوباره بازمانده شد و تحت مدیریت دیگری قرار گرفت مابین سیاسی است و یک ناظر. وی را یکی از کسانی خواند که این حرفه را از عقبه مسلمانان ایرانی منتصب تر حفظ کرد. «واسن بیخه» راستین اروپائیان-خواستار یک بدعت خطرناک شعر دارند. در گذشته. نوده‌ها پس از برانگیخته شدن توسط وعاظ به سیاسی‌ها منتصب گردانده و آنها را کشته‌اند. حالا سوره‌های آسمی می‌تواند مانع این کار شوند. اما در سال ۱۹۵۵ در نتیجه تحریمات دینی محفل‌سیاسی‌ها در تهران منحل شدند. در میان پیش‌قدمان درسی ستاد ارتش و فرماندار نظامی تهران قرار داشت.

- | | |
|----------------------|----------------------------------|
| حلقه داخلی شاه | رئیس مازسی شاهنشاهی |
| سرتیگر حسن فردوست | فرزیه ری‌نار |
| امیر اسدالله نتم | بزرگ مخصوص شاه |
| دکتر عبدالحکیم عابدی | رئیس هیئت‌مدیره ترک‌گشت |
| دکتر موحید میرافشار | نخست وزیر |
| امیر عباس حویدا | امام‌جمعه تهران |
| حسن امامی | رئیس سنا |
| جعفر تریف امامی | مخبر عراقی |
| اردشیر زاهدی | رئیس دفتر مخصوص شاه |
| نصرت‌الله حبیبیان | شوهر خواهر و فرمانده نیروی هوایی |
| نصرت‌محمد اسیرخانی | همسر شاه |
| فرح | خواهر نوزادوی شاه |
| انوشیروان | سنانور |
| حاجیه اعظم | سنانور |
| امیر هوشنگ دولو | |







کاخگی که آنها به شاه امراز می‌کنند، که شاید بخاطر ماضیان باشد، ممکن است به آسانی در نسل جدید یافته شود. شاید از این جهت، این باشد که نه‌اجتناباً آنچه‌ای اطمینانی را که به همراهان قدیمی احساس می‌کنند در جدیدتها نباید. قدیمی‌ها هرگاه که به آنها بیشتر احتیاج داشتند، در کارهای بودند. بدین ترتیب شاه ممکن است خود را متکی به گروه مشاورینش باید که روز بروز قلیلتر و بیشتر می‌شوند و با شاه همسازند ولی با مبارزهای کثیر ضاهنگی کمتری دارند.



شکل داخلی شاه

- ۱- امیران و مشاوران
- ۲- امیران
- ۳- امیران
- ۴- امیران
- ۵- امیران
- ۶- امیران
- ۷- امیران
- ۸- امیران
- ۹- امیران
- ۱۰- امیران
- ۱۱- امیران
- ۱۲- امیران
- ۱۳- امیران
- ۱۴- امیران
- ۱۵- امیران
- ۱۶- امیران
- ۱۷- امیران
- ۱۸- امیران
- ۱۹- امیران
- ۲۰- امیران
- ۲۱- امیران
- ۲۲- امیران
- ۲۳- امیران
- ۲۴- امیران
- ۲۵- امیران
- ۲۶- امیران
- ۲۷- امیران
- ۲۸- امیران
- ۲۹- امیران
- ۳۰- امیران
- ۳۱- امیران
- ۳۲- امیران
- ۳۳- امیران
- ۳۴- امیران
- ۳۵- امیران
- ۳۶- امیران
- ۳۷- امیران
- ۳۸- امیران
- ۳۹- امیران
- ۴۰- امیران
- ۴۱- امیران
- ۴۲- امیران
- ۴۳- امیران
- ۴۴- امیران
- ۴۵- امیران
- ۴۶- امیران
- ۴۷- امیران
- ۴۸- امیران
- ۴۹- امیران
- ۵۰- امیران



دیوانسالاری

الف - کارکنان بی‌ملاحظه

آمریکاییان همواره نسبت به دیوانسالاری را با خود داشته‌اند. بی‌رحمان تحت حکومت پهلوی نبودند، اموری اعمال شده است و دیوانسالاران برای خدمت دیگر مخلوقات خود را از دست بومی‌هایی که مثل ما مثل طریقهٔ تدبیر امور را می‌پوشند، فرا می‌گیرند. مگر جور جدید مدیریت بی‌رحمان دیوانسالاری حسن همواره موفقیت کامل را به‌یاد می‌آورد است. در اعتراضی که انجام آمده امری جاری است. خدمت دولتی نقل نسبتاً منطقی تصور می‌شود. و به آن «خدمت» فرسی خدمت‌گزاران بخش‌هایی برای بهبود حقوق مالکاً تأثیر خودتکلیف می‌شود. برای تریب با انحصاری که نوبت خدمت از جانب دیوانسالاری را دارند توصیه شده است که «حق‌الترجمه» بودارزب با تضمین نمود که با انگار دانش و آسایش یک نظام رسمی تراز می‌ماند. بر یکسلیخ علمی بالاتری این سیستم نشان آن نوع فساد می‌دهد که مالکاً «خدمت خشم‌ناز» فرار می‌گردد. همانا «نایب» است که استفاده از وسوفاات دولت را از دست می‌گیرد. امروزه از هر زمان دیگری پول جادو و مردستیای مستوری جریان دارد و بر نقایص فرستهای «و» استفاده برنمی‌آید است. مفهوم فعالیت‌های خرمی گاه و بگاه شاه، اجتمالی برسانر سیستم را فرا گرفته است.

ب - کابینه

مردمان این دیوانسالاری کابینه فرار دارد. در حال حاضر کسانی که نایب آنها را برای کابینه انتخاب می‌کنند در مجلس مورد تردید فرار می‌گردد و اگر زبوی رای مردم اعتماد گزمت بدان‌جهت خواهد بود که شاه آنها خواسته است. در «بده» گذشته گردآورده گروهی که ملاحظه می‌روند و فاداری «بده» را تقصیراً دانسته باشند برای او کار نمی‌نموده است. بی‌شک برای یک خدمت خوب این مسئله را عنوان کرد که تسلط شاه فقط موقتی خواهد است. استمرار باید که مثل تدبیر از من نبود و مثل

بعضی از اسناد تاریخی همچنین نشان می‌دهد که امام خمینی به عنوان رهبری بیدار و هوشمند پیوسته این دیوانسالاری را زیر نظر داشت:

دیدم هیئت وزرای زمان طاغوت و همه آن زمان‌هایی که بودند یک هیئت وزایی بود که همه جز ملک‌ها و سلطنه‌ها و همه از آن طاغوت‌ها بودند و یک تشکیلی کرده بودند که جامع بود بین اشخاصی که خائن بودند یا اگر خائن هم نبودند از طبقه بالای کشور بودند؛ یعنی، آن طبقه مرفه بالانشین. همین‌طور مرسوم

امام خمینی به حرمت مرجعیت آیت‌الله بروجردی و احترامی که برای بزرگان حوزه علمیه قائل بود و نگرانی‌هایی که از تفرقه و تشتت میان مسلمانان داشت در تمام این دو دهه یعنی از پایان جنگ دوم تا زمان فوت حضرت آیت‌الله بروجردی فقط به همان اطلاعیه سال ۱۳۲۳ اکتفا کرد و از سیاست کلی مرجعیت شیعه حمایت نمود و سرسوزنی به تفرقه دلهره‌آور حوزه‌های علمیه و جامعه مذهبی ایران دامن نزد

شده بود از اول تا این زمان که باید حتماً آنهایی که به وزارت می‌رسند از توده مردم نباشند؛ باید به قول خود آنها از طبقه ممتاز، ممتاز به نظر آنها، یعنی ثروتمند، یعنی یال و کوپال دار، یعنی اطرافی دار و دارای پارک‌های بزرگ و زمین‌های زیاد... این‌طور نبودند لیاقت نداشتند که در یک حکومتی وارد بشوند و اگر یک وقت - فرض کنید - از دستشان در می‌رفت و یکی که از آنها نباشد، وارد بشود، این یک امر نادری بوده است و شاید برای بازی دادن مردم بوده است، لکن امروز شما هر یک از این‌هایی که متصدی کارها هستند وقتی ملاحظه کنید می‌بینید که از همین خود مردم هستند...^۱

اگر امام شناخت دقیقی از این دیوانسالاری و منزلت آنها در نزد مردم نداشت، ممکن نبود درست در دورانی که همه تحلیل‌گران غربی و داخلی تصور می‌کردند به خاطر اصلاحات ارضی و انقلاب سفید مردم به این دیوانسالاری و رأس آن یعنی شخص شاه علاقه شدید دارند و محال است کسی و حرکتی این محبوبیت را مخدوش سازد، بتواند مردم را به صحنه آورد و این‌گونه تحلیل‌ها را نفی کند.

مطالعه این اسناد از جهت‌های دیگر نیز ارزشمند است؛ زیرا به نوعی اولاً ماهیت دروغین افسانه نجات‌بخشی، دموکراسی خواهی و حقوق بشر امریکایی را نیز برملا

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۲۰.





می‌سازد؛ چرا که امریکایی‌ها در این گزارش و گزارشات مشابه بارها اقرار می‌کنند که رژیم شاه یک رژیم خودکامه، خشن و سرکوبگر است اما امریکا برای حفظ منافع خود همچنین از این رژیمی که نسبتی با دموکراسی و حقوق بشر ندارد حمایت می‌کند. ثانیاً این گزارش‌ها نسبت‌سازش‌ناپذیری بعضی از جریان‌های مدعی مبارزه با رژیم شاه، امریکا و منافع ملی را نیز تا حدود زیادی افشا می‌کند. مثلاً در گزارشات کامل این سند و سند‌های بعدی آمده است که: از زمانی که مذهب شیعه در ایران رسمی شد علمای شیعه با هر سلطنتی مخالفت کرده‌اند. این نشان می‌دهد که علمای شیعه هیچ‌گاه نظام سلطانی را نظامی عقلی و شرعی نمی‌دانستند.

یا در بخش‌های دیگر سند آمده است که: روحانیت به شدت از نفوذ خارجی‌ان متنفذ است و به طور مشخصی در نهضت‌های ضد خارجی مردمی شرکت داشته است. یا در جای دیگری آمده است که طلاب روحانی که پیرو امام خمینی هستند می‌توانند تظاهرات زیادی بر ضد رژیم ایجاد کنند.

همان طوری که گفته شد حسین علاء حلقه واسط دیوانسالاری انگلوفیل نسل قدیمی با دیوانسالاری امریکوفیل نسل جدید بود که با تشکیل کلپ روتاری و لاینز به هم پیوستند و در نتیجه مأموریت حسین علاء برای امریکایی‌ها به پایان رسید. با سقوط علاء خطی که از نهضت مشروطیت شروع شده بود از حاکمیت قوه مجریه و دولت پاک شد و تنها در مجلس سنا این خط باقی ماند.^۱ نمایندگان مجلس سنا سال‌های پاپان عمر خود را یا در بی‌خبری می‌گذراندند یا بهتر دیدند که خود را به بی‌خبری بزنند. چون می‌دانستند که حریرف تکنوکرات‌های روباه‌صفت امریکایی‌مآب نخواهند شد. در برابر چشمان بی‌فروغ آنها، شاه به کمک نسل تازه‌ای از سرسپردگان سیاست و سرمایه که بر خلاف نسل گذشته، آسمان سیاست را به ریسمان حقوق و قانون پیوند نمی‌زدند بلکه این آسمان را تابعی از ریسمان اقتصاد و رسانه می‌دانستند می‌رفت تا ایران را بی‌توجه به فرهنگ، استقلال، آزادی، هویت و اصالت‌های خود به صورت یکی از اقمار امریکا درآورد.^۲

مأموران امریکایی اعتراف می‌کنند که در جه نفوذ امریکا در زمینه تحصیلات در دولت جدید ایران به این وسیله مشخص می‌شود که ۶۰٪ کابینه در حال حاضر قسمتی یا تمام تحصیلاتشان را در امریکا گذرانده‌اند.^۳ به رغم حجم نفوذ عمیق امریکا در دیوانسالاری ایران از نظر آنها بنیاد اساسی سیاست ایران که بر پایه کشورهای غربی استوار است هنوز

۱. رک: مسعود بهنود، همان، ص ۴۱۹.

۲. رک: همان، ص ۴۲۰.

۳. اسناد لانه جاسوسی امریکا، همان، ص ۵۹.

به وجود نیامده است. منافع امریکا در این است که روابط نزدیکی با ایران داشته باشد و عناصر علاقه‌مند به مدرنیزه کردن را تشویق کند...^۱

به عبارتی امریکایی‌ها با زبان بی‌زبانی می‌گویند دوران علم سیاست اروپایی به پایان رسیده است و دوره، دوره گذار به علم سیاست امریکایی است. به رغم این که ۶۰٪ دیوانسالاری ایران تحت سیطره مشرب امریکایی است ولی این میزان برای دوره گذار کافی نیست.

به نظر می‌رسد در این راستا مطالعه گزارش جان استمیل رئیس اداره بخش سیاسی سفارت امریکا در ایران که خودش یک پژوهشگر مسائل آسیا و خلیج فارس و دارای آثاری در این رابطه است، خالی از فایده نباشد. او در سال ۱۹۷۶ یعنی سه سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نتایج فرآیند گذار رژیم پهلوی از دیوانسالاری اروپایی به دیوانسالاری امریکایی را این گونه گزارش می‌کند:^۲



۱. همان.

۲. همان، ص ۶۹-۶۸.





تفرقه بیندار و حکومت کن

علت اینکه اهمیت مردم بیشتر از مؤسسات است. طرح رهبری شاه چسبیده‌ننده که او افرادی را انتخاب می‌کند که بر اساس همان سبستی که او دنبال می‌کند، باشند. عامل مهم در این موضوع درجه اطمینانی است که او می‌تواند در افراد ببیند. شاه به تعداد خیلی کمی از مقامات اطمینان دارد و او کنترل خود را بر روی مقامات ایرانی با سیاست «مناطاه» - تفرقه بیندار و حکومت کن - دنبال می‌کند. مثل روزولت که چنین کارهایی انجام می‌داد. شاه اغلب مسئولیت‌هایی که به هم ارتباط دارند را بین مقامات تقسیم می‌کند بطوری که آنها جداگانه به او گزارش داده و او می‌تواند از کامل بودن و صحیح بودن گزارش‌ها آگاهی یابد. وقتی که مقام مخصوصی بشتر می‌آید که بیش از آنچه که نامی می‌خواسته نفوذ پیدا کرده. مقداری از مسئولیت‌های او دیگران محول می‌شود یا بطور ساده به او نظام پائین‌تری داده می‌شود. دو طریق بالا در مورد وزیر کشاورزی "ارمنجانی" در سال ۱۹۶۲ زمانیکه او سرپرستی رفراندم زمینها را بیک عامل نفوذ و قدرت سیاسی مبدل می‌گرد بکار گرفته شد.

قرنیهات پیشروی جامعه ساواک

ساواک ترکیبی از سازمانهای سیا (CIA) و اف بی آی (FBI) و ای اس آی (SSA) و شورای امنیت ملی است و مانند زمان داریوش عنوان جنم و گوی شاه استفاده می‌شود. رئیس ساواک نخست‌الکته نسیری بعنوان معاون نخست وزیر هم می‌باشد و مستقیماً به شاه گزارش می‌دهد. ساواک برای پروژه‌هایش و پروژه‌هایی که شاه به‌عهده بوده یا محدودی دارد.



ساواک بهروزنامه‌ها در مورد ملاقاتشان رهنمود میدهد و در مورد افرادی که مقاماتی کسب می‌کنند تحقیق میکند. و کسب مقام رسمی، مجلسین، هماهنگی ملاقاتهای خارجی با شاه و بازرسی و تحقیق و محاکمه افراد ضد شاه و ضد امنیت را در دست‌دارد. نصیری یکی از محدود افرادی است که به‌شاه دسترسی فوری داشته و دارای نفوذ زیادی در بیشتر تصمیم‌گیری‌ها است.



- نیروهای مسلح

بنوان رئیس کل نیروهای مسلح، شاه ملافه زبانی به تمام حبه‌های آمادگی نظامی ارتش دارد. او شخصی داده که ارتش را با حبه‌ترین تجهیزات نظامی مجهز کند که یک حمله باگهایی مثل حبه‌های که انگلیسی‌ها در سال ۱۹۴۱ در خلیج فارس به نیروهای درباری ایران کردند نتواند آنها را از پای درآورد. تمام تصمیمات مهم سیاسی در رابطه با ارتش توسط خود شاه گرفته میشود بهین دلیل او برای این کار نیاز به نمایندگان یا مسئولینی برای اجرای دستوراتش دارد که این کار در عمل بطور زیادی محدودیت ایجاد میکند. در زمانهای مختلف در سالهای گذشته دولت ایران می‌بایستی از شاه برای رفتن جنگیتر ها به ماوریت در داخل ایران اجازه می‌گرفت. گزارتگر از چهاردهم تا ۱۵ شهری که در تصمیم‌گیریهای بلکنی از مشاوران بود یک شاه بودند مشاورند از:

۱ - امثالته علم

۲ - نعمت... نسیری

۳ - تیمسار فلاحی لوسی: در سال ۱۹۴۲ (۱۳۵۳) از سمت خود بنوان رئیس زاندارجری به رئیس نسوری رخصتی برگزیده شد. او در سال (۱۳۱۷) ۱۹۳۸ - مشاور دادگاه نظامی برای محاکمه افسران نودهای بوده است. از نظمای دیگری بنوان رئیس اداری کرد باهشاهی و بعد فرماندهی کرد باهشاهی دانته است. او مسئول گزارتگر است برای شاه بوده.

۴ - امیر عباس جویدا: او در لبنان - لندن و پاریس تحصیل کرده است و بعد بنوان افسر رابط ایران در ارتش آمریکا کار کرده. پس‌های دیپلماتیک در پاریس، استونگرت و ژنو در سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۵ دانته و بعد طی دو سال عضو هیئت مدیره شرکت ملی نفت بوده است. در سال ۱۹۵۲ بنوان وزیر دارایی کابینه منصور بوده است.

۵ - سیمار حسن طوقانیان: در فراغهم آوردن تجهیزات نظامی نقش

سپهی دارد. شاه مگر سبای او در دوره ارتش افسران دارد. او اطلاعات را برای رسته با خودش میدهد تا با کمک منابع آمریکایی این کار را می کند. او اغلب از آمریکا میسر میکند. ۳ بچه او در دانشگاه آمورت، دولتی آمریکا تحصیل می کند. طوفانیان از تکنولوژی ارتش آمریکا سبای می کند.

۵ - نیکسار حسن فرموده: او دارای دو شغل، رئیس ناحیه اطلاعات ویژه دادگامها و رئیس بازرسی شاهنشاهی می باشد. او بعنوان (چشم و گوش شاه) خوانده می شود. او همکاری شاه در موشن بود. است. او مدیریت گزارشهای روزانه آماده شده برای شاه را دارد. او در سالهای ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۳ معاون ساواک بود ولی بعد از آن سه ماه گزارشهایی در ساواک کار می کرد.

۶ - نیکسار علاوه بر اخباری: او رئیس ستاد ارتشداران است و بعد از برگ خانم مومینت بر افسینی دارد. چرا که هیچکس در ارتش نماندند خانم نفوس بعضی در شاه نماندند.

۷ - نصرت ا. حسینی: از سال ۱۹۶۵ رئیس دفتر خصوصی شاه بود است. او کاتبان اطلاعاتی دفتر دولتی داخلی و خارجی است.

۸ - جمشید آموزگار: او هم بعنوان وزیر کشور و هم بعنوان نماینده ایران در سازمان اوپک است. او بعد از تحصیلاتش در رشته حقوق و سپس در دانشگاه متروپول آمریکا رفت (سال ۱۹۶۲) و در دانشگاه واشنگتن تحصیل کرد.

۹ - هوشنگ انصاری: وزیر اقتصاد و دارایی است. در انگلستان و توکیو تحصیل کرده است. نقلهای غلطی او عبارتند از کارمند سفارت ایران در قسمت اقتصادی در توکیو. معاون وزیر امور خارجه ایران. سفیر ایران در پاکستان. وزیر اطلاعات و سفیر ایران در آمریکا (که دفتر سپهی در برناروی، روابط عمومی ایران و آمریکا در سال ۱۹۶۵ داشته است) از سال ۱۹۶۹ وزیر اقتصاد و دارایی است.

۱۰ - دکتر سنجیر امسال: دو هفته امسال باوقافی شده او به



شاه و عهد کمبویست بودن او، نفوذ او را در شاه زیاد کرده است. او رئیس شرکت ملی نفت ایران می‌باشد. او در فرانسه تحصیل کرده و دکترای پزشکی گرفته است. سال ۱۹۲۵ دهنر اشغال با پسر اشرف، شهباز ازدواج کرده است.

۱۲ - جعفر شریف آجایی: بعد از گذشت سیزده سال هنوز رئیس مجلس سنا می‌باشد. او لغت‌های متعددی داشته است. او برای آموزش در قسمت راه آهن در سال ۱۹۳۰ م. گمان و در سال ۱۹۳۵ به سوئد رفته است. او از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ عنوان شهردار حزب نازی توسط متفقین زندانی بوده است.

۱۳ - فرح بیگم

۱۴ - اشرف بیگم

۱۵ - اردشیر زاهدی: در حال حاضر سفیر ایران در آمریکا است. در سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ در مقوله آمریکائی‌های بیروت تحصیل کرده و بعد به آمریکا رفته است. ستاره زاهدی بعد از کودتای شاه در هشتاد گشت چرا که پدرش نیکار فعلی... زاهدی این کودتا را رهبری کرد. در سال ۱۹۵۷ اردشیر زاهدی با دهنر شاه، شهباز ازدواج کرد. او در سال ۱۹۶۴ شهباز را طلاق داد. او تا سال ۱۹۷۱ وزیر امور خارجه کابینه هویدا بود ولی به علت اینکه به شاه مستقیماً گزارش می‌کرد، هویدا از او ناراحت شد و زاهدی در سال ۱۹۷۱ به آمریکا رفت و به شاه گفت‌وگو با هویدا ولی هویدا در این سخن برنده شد زاهدی گفت که دیگر حاضران بر سرگردد و از حال ۱۹۷۴ عنوان سفیر ایران در آمریکا بوده است. او حضور چشمگیری بازرسی برگزار می‌کند و اراغی، برجسته و انگلیس و کشور آمریکا دعوت به عمل می‌آورد. و اخیراً می‌گوید در میماند برای ایران مشکلاتی به بار آورده است. اما شاه برای تعیین داشتن با او ارزش قائل می‌شود. او به دانشمندان ایرانی در آمریکا گفت: سینه ایران چگونه برای نری جوان عاشق مناسب است و من به چنین پستی رسیده‌ام. یکی از دانشمندان گفت: بله (ولی شاه فقط یک دهنر دارد).

قسمت ۲/۲
محرمانه
خانواده سلطنتی

بطور کلی تصور میرود که اکثر اعضاء خانواده سلطنتی به درجات مختلف باشد. غیر اخلاقی و به مقدار زیادی نسبت به ایران و ملت ایرانی علاقه هستند. زندگی های تجملاتی و گران قیمت آنان باری باری و دعوات آنان در تجارتهای دولتی و خصوصی باعث گسترش این نظریه در بین مردم شده دو پسر اشراف شهریار و شهرام عمیقاً "تروس" استفاده های مالی مر شرکتهای تجاری دست دارند.



تخصیصات سیاسی با اندازه‌های از طرف شاه گرفته می‌شود اما احتمالاً تعدادی از اعضا خانواده سلطنتی در این امور نفوذ دارند. در کشورس رامسر چنان‌که سال ۱۹۷۵ طرح مواجانه اما در انتظار عمومی در مورد حقوق اجتماعی و تحصیلات با شاه مخالفت کرد. و از آن زمان او شروع به صحبت کرده و در طی دو سال نفوذ عمده‌ای در قدرتمندترین رژیم نظامی کرده است. طرح مصوب‌ترین عضو خانواده پهلوی در نزد مردم است. و انجمن رضا پهلوی در حال حاضر نسبی نفوذ مرکزی در حرکت است اما نظر سیرت آن موفقی نیست. رأی که در وجود شاه است در او صدا کرد. از او عنوان محبتی در حد متوسط نام برده می‌شود. در مورد تحصیلاتش شایسته زیادی وجود دارد ولی شاه اصرار دارد که او حداقل تا پایان تحصیلات دبیرستانی در ایران بماند. خودفره و اشراف. شاه عضو دیگری از خانواده سلطنتی در امور سیاسی امکان ندارد. دیگر شاه. خواهرش شمس و فاطمه به او نزدیک هستند. برادرانش فلان‌ها و می‌توانند از صحنه سیاسی بیرون هستند. تعدادی از اعضا خانواده سلطنتی با اندازه‌های فاسد، فاسد اخلاق و بی‌علاقه با مردم شقی می‌شوند و این بیشتر بخاطر زندگی اشرافی و متاعلی که هم در دولت و هم در بخش خصوصی دارند می‌باشد.

صفت مشخصه و خصوصیات شاه

اگرچه ظاهر شاه و کینه تحصیلاتش خوبت فریب است. شاه نژاد و رفتار ایرانی است و در حقیقت موفقیت قابل توجه او در رضوی کشورش بیشتر به اثر و القصد جنگی است که او یک سیاستمدار کاپل ایرانی است. اگرچه او با اعتماد در یک محیط فریب کار می‌کند. اما واقعاً یک ایرانی غریب رفته در خانه سوخته بلکه از دو فرهنگ بطور مساوی استفاده کرده و هر یک از این‌ها را می‌توان برده است. در نتیجه او اغلب خصیصات و سلیقه‌های غربی را توسط تعاقب ایرانی نگارگرستانو تفسیر می‌کند که او خود از اورتها و سعادت غربی آگاهی دارد برای اینکه شاه ایران را به دنبال مدرن وارد کند او این صفت ممتاز را که



سلطنت از جانب خداوند بوده و با عصمه ملی آن، که برای بیشتر ایرانیها منحصلمطهره، تخصیص کرده شده، زیاد دارد برای اداره، موثرتر است تا هر چه در واقع شاه بر این عقیده است که او را خداوند برای رهبری ایران بطرف یک عصر خلافتی فرستاده است. تشخیص فکری و فردی و ذکاوت او ایران را به قدرتی رساند که از زمان عبودیه به این طرف سابقه نداشته است و از این معنا می توان گفت که حکومت سلطنتی هنوز برای ایران مناسب بود و می توانست موثرتر برای وحدت و پیشرفت می باشد. این موضوع که نصیحت او غیر قابل تحلف و مقدس است برای اولین مرتکب را ایجاد کرده که نمی تواند متاوران کاملاً مورد اعتماد پیدا کند و بطور معمول فرج و اشرف و علم می توانست بدون این که زبانی متوجه ایشان باشد با شاه مخالفت کند. از طرف دیگر حداقل ۶ نفر دیگر مستقیماً به او گزارش می دهند و تعداد زیادی هم در قسمت های مختلف جامعه با او در تماس هستند.



نتایج افسانه دموکراسی خواهی امریکایی برای ایران بازدهای بیش از آن که امور کشور در دست ۱۵ نفر قرار گیرد که دو نفر آن زن بوده ولی از شانس بد امریکایی‌ها یکی زن شاه و دیگری خواهر فاسد شاه می‌باشد، نبود. دیوانسالاری اروپایی حداقل این حسن را داشت که بر اساس گزارش خود امریکایی‌ها در اختیار نزدیک به ۸۰ خانواده باشد ولی دموکراسی امریکایی همه چیز را در یک گروه ۱۵ نفره در خانواده شاه متمرکز کرد. شورای عالی اقتصاد که قلب تپنده سیاست امریکایی بود و کمیسیون شاهنشاهی هم که دست شاه بود، قسمت‌های امنیتی و ارتش هم که زیر نظر شاه قرار داشتند! جالب اینجاست که امریکایی‌ها می‌گویند کابینه در تصمیم‌گیری‌ها نقش مهمی ندارد و عده‌ای از وزرا توصیه‌های سیاسی خود را مستقیماً به شاه می‌دهند! یعنی گوش شیطان کر، کابینه را هم در اصل شاه رهبری می‌کند ولی امریکایی‌ها خجالت کشیدند که این مسئله را مستقیماً بگویند. در زمینه سیاست خارجی هم که شاه بدون مشورت با وزیر امور خارجه تصمیم‌گیری می‌کرد.

از همه جالب‌تر در این گزارش این است که استمپل می‌نویسد: نقش سفیران و مستشاران خارجی هم برای دادن اطلاعات و تغییر تصمیم‌گیری‌های شاه دارای اهمیت است. البته اینجا هم امریکایی‌ها شاید از ژست دموکراتیکی که همیشه در جهان گرفته‌اند یا شاید از ارواح اجداد دموکرات خود خجالت کشیدند که بگویند از بعد ورود امریکایی‌ها به صحنه سیاست ایران و سیطره مطلق بر امور کشور جز سفیر امریکا و مستشاران امریکایی و در بعضی جاها توصیه‌های غیر مستقیم سفیر انگلیس به شاه و در اغلب جاها سفیر اسرائیل در پشت سر سفیر امریکا، دیگر مستشار و دبیر و سفیری نبود که شاه از آنها حساب ببرد و در امور با آنها مشورت کند. حداقل در این رابطه هیچ سندی در تاریخ ثبت نشده است. مگر این که امریکایی‌ها، صهیونیست‌ها، بهایی‌ها و انگلیسی‌ها از کشکول‌های مرکز مطالعات ایرانی لندن یا مؤسسه تاریخ شفاهی هاروارد یا بنیاد مطالعات ایران و مؤسسات شبیه به این، چیزی از این پس منتشر کنند!! البته استمپل از رو نمی‌رود و با کمال بی‌شرمی می‌نویسد: با وجود نارسایی‌ها و بدی‌های این تصمیم‌گیری‌ها ایران در زمینه سیاسی و اقتصادی پیشرفتی چشمگیر داشته است.

در کنار تمامی مصیبت‌هایی که در تاریخ معاصر، از دوره قاجاریه تا پیروزی انقلاب اسلامی بر ملت ایران رفت، مثل مصیبت حکومت نادان قاجاریه، مصیبت منورالفکری مقلد و وابسته، مصیبت تجدد و ترقی غیر بومی، مصیبت قراردادهای امتیازات به بیگانگان، مصیبت حکومت سیاه‌پهلوی، مصیبت جنگ اول و دوم و ده‌ها مصیبت دیگر،

یکی از این مصیبت‌هایی که مظلومیت‌های ملت ایران را مضاعف می‌سازد این است که بعد از جنگ دوم جهانی آن قدرتی که وارد مناسبات سیاسی و اقتصادی در ایران شد همان طوری که کرین برنتون گفته بود، فاقد شعور تاریخی، ضد انقلاب، مرتجع و از همه بدتر بیگانه با فرهنگ ملت‌های دیگر بود. امریکا چنین ویژگی‌هایی داشت. دموکراسی، حقوق بشر و آزادی همیشه در تعریف امریکاییان ماهیت پراگماتیستی (عملگرایی) داشته و ناظر به خود عمل بود نه نتایجی که از عمل به دست می‌آمد.

این ویژگی را می‌توان دقیقاً در دیدگاه کارشناسان امریکایی در تحلیل ساختار رژیم پهلوی و حتی ساختار نظام جمهوری اسلامی در بعد از انقلاب نیز مشاهده کرد. این نوع نگاه همیشه امریکایی‌ها را در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی و برقراری روابط با ملت‌های دیگر به خصوص ملت‌هایی که سوابق تاریخی و فرهنگی طولانی در تمدن بشری دارند گرفتار حماقت‌هایی کرده است که تاکنون بشریت برای این حماقت در همین صد سال اخیر تاوان بسیار سنگینی پرداخت کرده است. نمونه این حماقت‌ها را می‌توان در به کارگیری بمب اتمی علیه ژاپن و نابودی بیش از دویست هزار انسان بی‌گناه در یک چشم برهم زدن، در جنگ ویتنام، جنگ کره، افغانستان، پاکستان، عراق و در ترتیب دادن ده‌ها کودتا علیه ملت‌های دیگر، در ساقط کردن دولت‌های مردمی، در نابودی محیط زیست، در تولید سلاح‌های کشتار جمعی، در هنر، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و در صدها مسئله دیگر مشاهده کرد.

در همین گزارش‌هایی که از مأمور سیاسی سفارت استمپل ارایه شد نمونه‌های این حماقت آنچنان عیان است که نیاز به تبیین ندارد. به عنوان نمونه: در کدام منطق سیاسی و اجتماعی وابستگی مطلق سیاسی و اقتصادی به بیگانگان و جمع شدن ساختار تصمیم‌گیری در یک گروه ۱۵ نفره‌ای مثل: اسدالله علم، نعمت‌الله نصیری، غلامعلی اویسی، امیرعباس هویدا، حسن طوفانیان، حسن فردوست، غلامرضا ازهاری، نصرت‌الله معینیان، جمشید آموزگار، هوشنگ انصاری، منوچهر اقبال، جعفر شریف‌امامی، فرح پهلوی، اشرف پهلوی و اردشیر زاهدی حکایت از پیشرفت سیاسی و اقتصادی دارد؟!!

خود این ترکیب در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی ترکیبی ضد تصمیم‌گیری و بیانگر حماقت است ولی امریکایی‌ها برای این که بگویند ما در تصمیمات نبودیم خود را به حماقت زدند. آیا حماقت از این بالاتر که در یک جا بگوییم: به طور کلی تصور می‌رود که اکثر اعضای خانواده سلطنتی به درجات مختلف فاسد، غیر اخلاقی و به مقدار زیادی نسبت به ایران و ملت ایران بی‌علاقه هستند و در جایی دیگر همین خانواده را در رشد





سیاسی و اقتصادی ایران مؤثر بدانیم؟!

چه زود پیش‌بینی‌های خمینی کبیر به واقعیت نزدیک شد. اگر تفرقه بزرگان علم و ادب ایران و حوزه‌های علمیه و بی‌خبری‌های آنها از اتفاقات بعد از جنگ دوم جهانی و سکوت آنها و از همه بدتر قیام برای منافع شخصی ادامه داشته باشد همان سیاست‌هایی که از مغز خشک رضاخان تراوش کرده بود این بار در قالب جدید، شرایطی به مراتب مرغبارتر از گذشته بر ایران تحمیل خواهد کرد. آنهايي که چشمان بيداری داشتند تا موعده مقرر، تا آگاهی مردم، تا پوسیده شدن این درخت بی‌ریشه و گندیده و از همه مهم‌تر تا زمان به وحدت رسیدن امت و امام، این شرایط را دیده‌بانی کردند. امام خمینی به حرمت مرجعیت آیت‌الله بروجردی و احترامی که برای بزرگان حوزه علمیه قائل بود و نگرانی‌هایی که از تفرقه و تشتت میان مسلمانان داشت در تمام این دو دهه یعنی از پایان جنگ دوم تا زمان فوت حضرت آیت‌الله بروجردی فقط به همان اطلاعیه سال ۱۳۲۳ اکتفا کرد و از سیاست کلی مرجعیت شیعه حمایت نمود و سرسوزنی به تفرقه دلهره‌آور حوزه‌های علمیه و جامعه مذهبی ایران دامن نزد.^۱

بیشتر سال‌های دهه ۳۰ و ۴۰ برای مردم ایران در تب و تاب نگرانی از استعمار و استبداد سپری شد. شاه و دیوانسالاری فرتوتی که از دوران پدرش به ارث رسیده بود و بخشی از آن نیز ریشه در قاجار و سیاستمداران انگلوفیلش داشت، به رغم این که برای تأمین نظر امریکاییان بعد از کودتا به نمایشی از دموکراسی دو حزبی شبیه امریکا و اروپا دست زد و حزب مردم به رهبری اسدالله علم و حزب ملیون به رهبری منوچهر اقبال، دلقک‌های این نمایش بودند که یکی باید در نقش مدافع دولت و آن دیگری در نقش اپوزیسیون ظاهر می‌شد؛ اما این نمایش دموکراسی‌بازی، آن قدر سطحی و ساختگی بود که نتوانست نظر ارباب جدید یعنی امریکارا در خصوص تغییر ساختار سیاسی حاکمیت ایران به سوی نوسازی و تحول تأمین کند.

بالاخره امریکاییان در مقابل کمونیست‌ها در کشورهای تحت نفوذ خود باید نمایش قوی‌تری اجرا می‌کردند تا کفاف تبلیغات کمونیست‌ها را می‌کرد. اما ژست‌های حزبی شاه آنقدر بی‌نمک بود که حتی مثیر عزری نخستین نماینده سیاسی کشور جعلی

۱. البته در دوران زعامت آیت‌الله بروجردی امام تلاش فراوانی کرد که ایشان را به رویارویی با شاه وادارد و زمینه را برای برپایی جمهوری اسلامی به دست آن مرجع بزرگ فراهم سازد. روایت کرده‌اند که آقای بروجردی بارها اظهار کرده بودند که سرنگونی این «پسرک» برای من کاری ندارد لیکن از آن اندیشناکم که بعد از آن نتوانیم زمام امور را حفظ کنیم و کشور خدای نخواست به ورطه الحاد و کفر کشیده شود. در موضع‌گیری‌های سیاسی آیت‌الله بروجردی علیه شاه و بر خوردهای تند ایشان با شاه و مقامات دولتی، امام نقش ریشه‌ای داشتند.

اسرائیل در ایران نیز به آن خندید. او در خاطراتش می نویسد:

در سال ۱۹۵۸م/۱۳۳۶ش که به ایران آمدم، دو حزب در این کشور به تازگی برپا شده بود. حزب مردم که اسدالله علم به فرمان شاه برپا کرده بود و حزب ملیون که آن هم دکتر اقبال به دستور شاه بنیان نهاده بود. با چنین برنامه‌ای شاه می‌خواست حزب‌های اقلیت و اکثریت را در کشور پایه‌ریزی کند تا اندیشه آزادی میان مردم جا بیفتد... چند روزی از آمدنم به ایران نگذشته بود که روزی اسدالله علم مرا برای پاره‌ای رایزنی‌های حزبی به دفترش فراخواند. هیچ‌یک از دو حزب مردم و ملیون از دانش ساماندهی و شیوه‌های عضوگیری آگاهی چندانی نداشتند. علم چند تن از سران حزب مردم را با من آشنا ساخت تا از آموخته‌هایم در حزب اسرائیلی «مپای» نکته‌هایی را به آنها بیاموزانم... شگفتیم روزی پدیدار شد که دکتر اقبال نیز همین درخواست را با من پیش کشید و در کشاکش گفت‌وگوهایم با دسته دکتر اقبال دریافتم که حزب‌های مردم و ملیون هر دو هدف‌هایی همسان و برنامه‌هایی همسو دارند...^۱



البته مئیر عزری در ادامه، مطالبی عنوان می‌کند که نشان می‌دهد مانند همسلکان کذابش، بیش از آن که بخواهد مسائل حزبی را در ایران مطرح کند در فکر تحقیر

۱. مئیر عزری، کیست از شما از تمامی قوم او، یادنامه، ترجمه آبرام حاخامی، بیت المقدس، ۲۰۰۰م، دفتر دوم، ص ۵.





ایرانی‌ها و نشان دادن ریشه‌دار بودن دموکراسی حزبی در اسرائیل و سطح هوش بالای صهیونیست‌هاست!! و گرنه کدام آدم عاقل و فهمیده است که نداند چهل سال قبل از پیدایش یک حکومت جعلی و فاقد ریشه و هویت به نام اسرائیل در منطقه، اولین ساز و کارهای حزبی در مجلس دوم مشروطیت ایران تحت عنوان فراکسیون اقلیت و اکثریت با دو مرام متفاوت سوسیالیستی و لیبرالیستی پیدا شد و ایرانی‌ها اگر چه هیچ گاه به احزاب دل نبسته بودند ولی از ماهیت فعالیت احزاب خبر داشتند.

در هر صورت وقتی حزب‌ها فرمایشی و نمایشی و بی‌ریشه باشند، باید مشاور سازماندهی آنها نیز فردی مثل مئیر عزری از یک کشور بی‌ریشه و جعلی و بی‌هویت انتخاب شود. معلوم بود که سطح فهم مهره‌های ساخته دست استعمار انگلیس و امریکا نباید در مسائل سیاسی و اجتماعی بیش از سطح فهم اسدالله علم و منوچهر اقبال که مشاور حزبی خود را (البته اگر ادعای عزری جعلی نباشد. چون صهیونیست‌ها در جعل تاریخ حرفه‌ای هستند) کسی مثل عزری که هنوز سابقه حکومت‌داری آنها به یک دهه هم نرسیده است، انتخاب کند.

مطالعه دقیق اسناد تاریخی نشان می‌دهد در همان دورانی که امریکایی‌ها با نمایش دموکراسی حزبی، سر بسیاری از جریان‌های سیاسی را در ایران گرم کرده بودند، در پشت صحنه در تلاش بودند تا به دور از چشمان مردم، طیف جدیدی از بازیگران اقتصادی و سیاسی را به ساختار فرسوده و از هم گسیخته دیوانسالاری رژیم پهلوی که عموماً بقایای فسیل شده عصر قاجاری و رضاخانی بودند، تحمیل نمایند.

هسته اولیه این کانون در درون قلب تحولات دیوانسالاری امریکایی ایران یعنی سازمان برنامه و مدیریت پایه‌ریزی شد. اغلب محققان تاریخ معاصر به اشتباه نقطه آغازین این هسته‌گذار از دیوانسالاری انگلیسی اروپایی به دیوانسالاری امریکایی را تشکیلات «گروه پیشرو» و «کانون مترقی» حسنعلی منصور می‌دانند.^۱ اما بررسی‌های دقیق‌تر نشان می‌دهد که هسته اولیه شکل‌گیری این کانون «بچه‌های وارن» بودند که از طریق اداره اصل ۴ ترومن نطفه اصلی آنها در سازمان برنامه و مدیریت شکل گرفت و به «گروه ماساچوستی‌ها» شهرت پیدا کردند. در حقیقت گروه پیشرو کانون مترقی و حزب ایران نوین چهره‌های مرموز گروه ماساچوستی‌ها بودند که بعدها بخشی از آنها به رغم مخالفت بعضی از اعضای دیگر گروه در کانون و حزب ایران نوین وارد شدند.

۱. برای نمونه رک: مظفر شاهدهی، سه حزب، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۷، ص ۴۶۰.